


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فایل های انگلیسی ✓

 [www.ToranjBook.Net](http://www.ToranjBook.Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook\\_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)



بنیاد علمی آموزشی

# پاسخنامه

## دوازدهم انسانی

۱۸ آذر ۱۴۰۱

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام طراحان	نام درس
محمد بحیرایی، محمد حمیدی، کورش داودی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، علی شهربابی، نسترن صمدی، جواد زنگنه قاسم آبادی، حمیدرضا سجودی، علیرضا عبدی، امیر محمودیان، محمد یگانه	ریاضی و آمار
نسرین جعفری، مائده حسنی، سارا شریفی، مهدی ضیائی	اقتصاد
سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلام پور، فرهاد فروزان کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان	علوم و فنون ادبی
ریحانه امینی، آرزیتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگار غلامی	جامعه‌شناسی
درویشعلی ابراهیمی، ولی برجی، بهروز حیدرکی، اسماعیل علی پور، مرتضی کاظم شیروودی، محمدعلی کاظمی نصرآبادی، علی محسن زاده، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان	عربی زبان قرآن
میلاد باغ شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، سیدعلیرضا علویان، علی محمد کریمی، ملیحه گرجی، جواد میربلوکی، میلاد هوشیار	تاریخ و جغرافیا
حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی نژاد، علیرضا نصیری	فلسفه و منطق
حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی نژاد	روان‌شناسی

## گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی فروشان، مهدی ملارمضانی	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیایی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سید علیرضا علویان، امیرحسین واحدی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری، سحر محمدی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	خدیجه جنت‌علی پور
جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی نژاد	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی نژاد، فاطمه صفری	

## گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: مازیار شیروانی مقدم، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

## ریاضی و آمار (۳)

## ۱- گزینه «۱»

(علیرضا عبیدی)  
اگر داده دورافتاده داشته باشیم نمی‌توانیم به نمایش میانگین و انحراف معیار بسنده کنیم.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

## ۲- گزینه «۱»

(علیرضا عبیدی)  
در گام اول چرخه آمار (گام بیان مسئله) یک پرسش دقیق و شفاف برای مسئله بیان می‌کنیم.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۱)

## ۳- گزینه «۳»

(محمدرضا بعبیری)  
موارد (الف)، (ب) و (پ) درست هستند.  
در مورد (ت): در بهترین حالت می‌توانیم نتایج را فقط به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم دهیم و این نتایج قطعی نیستند چون در نمونه دیگری از همین جامعه ممکن است نتایج دیگری به دست آید.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۷)

## ۴- گزینه «۴»

(محمدرضا بعبیری)  
تعداد نمونه‌های ۳ نفره از جامعه ده نفره برابر است با:

$$\binom{10}{3} = \frac{10!}{7! \times 3!} = \frac{10 \times 9 \times 8}{3 \times 2 \times 1} = 120$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۷)

## ۵- گزینه «۴»

(امیررضا زاکر زاده)  
در نمونه (الف) همه قشرها شانس حضور ندارند. مثلاً اگر همه خانوارهایی که با شماره ۲ شروع می‌شوند را انتخاب کنیم همه خانوارها از یک منطقه انتخاب می‌شوند و قشرهای دیگر جامعه شانس حضور ندارند اما در نمونه (ب) همه قشرها شانس حضور دارند.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۸ تا ۳۳)

## ۶- گزینه «۴»

(محمدرضا بعبیری)  
با توجه به نمودار دو گروه، داده‌های سبیل سمت چپ و داده‌های داخل جعبه یعنی داده‌های کوچکتر از چارک سوم از عدد ۳۵ کوچکتر هستند بنابراین گزینه «۴» درست است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۱)

## ۷- گزینه «۱»

(محمدرضا بعبیری)

$$C \text{ زاویه } = 360^\circ - (90^\circ + 122^\circ + 100^\circ) = 48^\circ$$

$$C \text{ درصد داده‌های گروه } = \frac{48^\circ}{360^\circ} \times 100 = \frac{480}{36} = \frac{80}{6} = 13 \frac{1}{3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۳)

## ۸- گزینه «۱»

(محمدرضا بعبیری)  
با توجه به نمودار میله‌ای برای سه ایستگاه اول ضابطه  $10n + 10$  و برای سه ایستگاه بعدی ضابطه  $10n + 20$  را می‌نویسیم. بنابراین:

$$f(n) = \begin{cases} 10n + 10, & 1 \leq n \leq 3 \\ 10n + 20, & 4 \leq n \leq 6 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۴۶ تا ۵۰)

## ۹- گزینه «۲»

(محمدرضا بعبیری)

با توجه به نمودار، میانگین داده‌ها برابر  $x$  است. بنابراین:

$$\frac{3+7+x+5+9}{5} = x \Rightarrow \frac{24+x}{5} = x$$

$$\Rightarrow 5x = 24 + x \Rightarrow 4x = 24 \Rightarrow x = 6$$

$$\sigma^2 = \frac{(-3)^2 + 1^2 + 0^2 + (-1)^2 + 2^2}{5} = \frac{9+1+0+1+9}{5} = 4$$

$$\Rightarrow \sigma = \sqrt{4} = 2$$

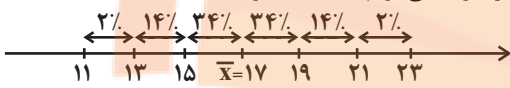
$$\Rightarrow y = 6 + 2 = 8$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه ۳۵)

## ۱۰- گزینه «۱»

(امیر زرانروز)

از نمودار متوجه می‌شویم که:  $\bar{x} = 17$  و  $\sigma = 2$



$$\downarrow$$

$$14\% + 34\% = 48\% \text{ درصد خواسته شده}$$

با توجه به نمودار فوق، تعداد افرادی که در محدوده بالا قرار دارند را به دست می‌آوریم:

تعداد درصد

$$\frac{100}{48} \mid \frac{400}{x} \Rightarrow x = \frac{48 \times 400}{100} = 192$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

## ریاضی و آمار (۱)

## ۱۱- گزینه «۲»

(محمدرضا بعبیری)

روش جمع‌آوری داده‌ها در هر مورد به صورت زیر است.

گزینه «۱»: پرسش‌نامه یا مصاحبه

گزینه «۲»: دادگان‌ها

گزینه «۳»: پرسش‌نامه

گزینه «۴»: مصاحبه

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۸)

## ۱۲- گزینه «۳»

(بواد زنگنه قاسم‌آباری)

پارامتر مشخصه عددی است که از جامعه به دست می‌آید و آماره مشخصه عددی است که از نمونه به دست می‌آید. بنابراین:

$$(\Delta) \text{ پارامتر } = \frac{8}{20} = \frac{2}{5}$$

$$(O) \text{ آماره } = \frac{5}{8}$$

$$\frac{2}{5} \mid \frac{5}{8} = \frac{16}{25}$$

نسبت خواسته شده

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۳)

$$= \frac{4+1+0+1+4}{5} = 2$$

$$\Rightarrow \sigma = \sqrt{2}$$

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۸)

(معمد بصیرایی)

#### ۱۷- گزینه «۴»

با توجه به رابطه  $100 \times \frac{\text{مقدار واقعی}}{\text{مقدار پیشینه}} = \text{عدد روی شعاع نمودار راداری}$  مقدار واقعی هر متغیر را به دست می‌آوریم:

$$90 = \frac{A}{30} \times 100 \Rightarrow A = 27$$

$$40 = \frac{B}{80} \times 100 \Rightarrow B = 32$$

$$80 = \frac{C}{50} \times 100 \Rightarrow C = 40$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{27+32+40}{3} = \frac{99}{3} = 33$$

(ریاضی و آمار (I)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

(امیر زرنروز)

#### ۱۸- گزینه «۲»

اگر اختلاف داده دهم از میانگین را  $x$  فرض کنیم با توجه به این که مجموع اختلاف داده‌ها از میانگین، همیشه صفر است، خواهیم داشت:

$$0 + (-6) + (-5) + (-3) + 0 + 1 + 2 + 4 + 5 + x = 0 \Rightarrow x = 2$$

$$\sigma^2 = \frac{0^2 + (-6)^2 + (-5)^2 + (-3)^2 + 0^2 + 1^2 + 2^2 + 4^2 + 5^2 + 2^2}{10}$$

$$= \frac{120}{10} = 12 \Rightarrow \sigma = \sqrt{12} = \sqrt{4 \times 3} = 2\sqrt{3}$$

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۸)

(امیر زرنروز)

#### ۱۹- گزینه «۳»

فراوانی ۱۰ را برابر  $x$  فرض می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{(8 \times 1) + (9 \times 2) + (10 \times x) + (11 \times 4) + (12 \times 1) + (13 \times 2)}{1+2+x+4+1+2}$$

$$= \frac{94}{9} \Rightarrow \frac{108+10x}{10+x} = \frac{94}{9}$$

$$94(10+x) = 9(108+10x) \Rightarrow 940+94x = 972+90x$$

$$\Rightarrow 4x = 32 \Rightarrow x = 8$$

(ریاضی و آمار (I)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

(امیر زرنروز)

#### ۲۰- گزینه «۴»

$$\left. \begin{array}{l} \text{نسبت آن‌ها} = \frac{12}{4} = 3 \\ \text{طول سبیل راست} = 41 - 29 = 12 \\ \text{طول سبیل چپ} = 17 - 13 = 4 \end{array} \right\}$$

$$\left. \begin{array}{l} R = \max - \min = 41 - 13 = 28 \\ IQR = Q_3 - Q_1 = 29 - 17 = 12 \end{array} \right\} \Rightarrow \frac{R}{IQR} = \frac{28}{12} = \frac{7}{3}$$

ضمناً می‌دانیم تقریباً ۷۵٪ داده بزرگتر از  $Q_1$  یعنی ۱۷ هستند. توجه کنید که جایگاه میانه در نمودار، مشخص نشده پس قابل محاسبه نیست.

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۹)

(معمد بصیرایی)

#### ۱۳- گزینه «۲»

متغیر و مقیاس اندازه‌گیری در هر گزینه به صورت زیر است:

گزینه «۱»: کیفی ترتیبی

گزینه «۲»: کمی فاصله‌ای

گزینه «۳»: کمی نسبی

گزینه «۴»: کیفی اسمی

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۳)

(نسترن صمدی)

#### ۱۴- گزینه «۳»

میانه ۱۲ داده برابر است با میانگین داده‌های ششم و هفتم و چون میانه عضوی از مجموعه داده‌ها است، پس داده ششم و هفتم با هم برابرند و چون فراوانی مد منحصر به فرد داده‌ها ۲ است، پس مد همان داده ششم و هفتم است.

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

(امیر مسموریان)

#### ۱۵- گزینه «۱»

ابتدا بدون در نظر گرفتن داده  $m+2$ ، بقیه داده‌ها را مرتب کرده و میانه آن‌ها را به دست می‌آوریم.

$$2, 4, 6, 6, 8, 13, 15, 17, 20$$

در این حالت تعداد داده‌ها ۹ تا است و بنابراین داده وسط میانه است. یعنی ۸.

با اضافه شدن داده جدید به این داده‌ها، اگر این داده کوچکتر از ۸ باشد، میانه کمتر از ۸ خواهد شد (زیرا بین ۸ و داده قبل از آن باید میانگین بگیریم)، که این حالت قابل قبول نیست.

بنابراین داده جدید بزرگتر از ۸ است. (اگر داده جدید برابر ۸ باشد نیز غیرقابل قبول است، چون میانه برابر با ۸ خواهد شد.)

برای داده جدید بزرگتر از ۸، دو حالت را در نظر می‌گیریم:

الف) داده جدید، بزرگتر یا مساوی ۱۳ باشد. در این حالت، دو داده وسط ۱۳ و ۸ هستند که میانگین آن‌ها برابر  $10/5$  است که برابر میانگین داده شده (۱۰) نیست و غیرقابل قبول است.

ب) داده جدید بین ۸ و ۱۳ باشد. در این حالت میانه داده‌ها برابر با میانگین ۸ و داده جدید است:

$$10 = \frac{8+m+2}{2} \Rightarrow m+10=20 \Rightarrow m=10$$

یعنی داده جدید برابر با  $m+2=12$  است.

$$\frac{m}{2} + 1 = 6$$

حال میانه داده‌های ۱۰، ۹، ۶، ۶ برابر است با:

$$\text{میانه} = \frac{6+9}{2} = 7/5$$

(ریاضی و آمار (I)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

(معمد بصیرایی)

#### ۱۶- گزینه «۲»

چون واریانس داده‌های برابر همواره برابر صفر است و برعکس پس:

$$a = b = c = d = 18$$

داده‌های جدید: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱

$$\bar{x} = \frac{17+18+19+20+21}{5} = 19$$

$$\sigma^2 = \frac{(17-19)^2 + (18-19)^2 + (19-19)^2 + (20-19)^2 + (21-19)^2}{5}$$

## اقتصاد

## ۲۱- گزینه «۴»

(کنکور سراسری ۹۱، با تغییر)

ریال  $15,000,000,000 = 500 \times 30,000,000,000$  = ارزش مواد غذاییمیلیون ریال  $15,000$  =ریال  $250,000,000,000 = 5,000 \times 50,000,000,000$  = ارزش ماشین آلاتمیلیون ریال  $250,000$  =ریال  $7,500,000,000 = 15,000 \times 500,000,000$  = ارزش پوشاکمیلیون ریال  $7,500$  =(ارزش پوشاک)  $\frac{2}{3} \times$  = ارزش خدمات ارائه شدهمیلیون ریال  $5,000 = \frac{2}{3} \times 7,500$  =

تولید ناخالص داخلی =

میلیون ریال  $277,500 = 15,000 + 250,000 + 7,500 + 5,000$  =تولید ناخالص داخلی =  $\frac{277,500}{\text{جمعیت کشور}}$ ریال  $5,550 = \frac{277,500}{50}$  =

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

## ۲۲- گزینه «۳»

(الف)

تولید ناخالص داخلی اسمی در سال  $2020 = (39 \times 15) + (80 \times 20)$ میلیون دلار  $2,185 = 585 + 1,600$  =تولید ناخالص داخلی واقعی در سال  $2020 = (39 \times 14) + (80 \times 10)$ میلیون دلار  $1,346 = 546 + 800$  =

نکته: ردیف «۳» ارزش کالاهای واسطه‌ای در محاسبه تولید کل لحاظ نمی‌شوند. (ب)

ارزش تولید در سال  $2019 = (100 \times 14) + (10 \times 50)$ میلیون دلار  $1,900 = 1,400 + 500$  =

تورم در سال موردنظر (افزایش قیمت‌ها) =

تولید در همان سال به قیمت پایه - تولید در سال موردنظر به قیمت جاری

= افزایش تولید کل ناشی از (افزایش قیمت‌ها) تورم در سال  $2020$  =میلیون دلار  $839 = 2,185 - 1,346$  =

(ب) = افزایش تولید کل ناشی از افزایش مقدار تولید در سال موردنظر

تولید در سال پایه - تولید در سال موردنظر به قیمت پایه

= افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید سال  $2020$  =میلیون دلار  $-554 = 1,346 - 1,900$  =تولید در سال  $2020$  نسبت به سال پایه کاهش داشته است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ تا ۱۲۲)

## ۲۳- گزینه «۱»

(الف) بررسی موارد نادرست:

گزینه «۱»: ایران به دلیل وسعت و پهناوری جغرافیایی، برخورداری از منابع

طبیعی و قرار گرفتن در چهارراه بین‌المللی، از دوران باستان جایگاه ویژه‌ای

در اقتصاد جهان داشته است. وجود حکومت‌ها و سلسله‌های بزرگ،

لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها، پهناوری مرزهای ایران باستان، جاده ابریشم و

تجارت با چین و امپراتوری روم، از اهمیت و بزرگی اقتصاد ایران در آن

دوران حکایت می‌کند و فرمانبرداری سایر کشورها از ایران ارتباطی با این

موارد ندارد.

گزینه «۲»: در نیمه اول حکومت صفویه، علاوه بر یکپارچگی سیاسی، اقتصاد یکپارچه و مستقلی شکل گرفت که با سایر لایه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی کشور هماهنگی داشت.

(ب) شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ در قاره اروپا و شروع استعمار کشورهای دیگر با دوره پایانی حکومت صفویه مصادف بود.

(ج) دولت‌های اروپایی با تجهیز ناوگان خود به رقابت شدید نظامی و تجاری با یکدیگر و استعمار کشورهای دیگر پرداختند. این رقابت و همچنین

استعمار کشورهای دیگر، موجب تسریع جریان توسعه این کشورها شد.

(اقتصاد، مقایسه‌سازی اقتصادی، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

## ۲۴- گزینه «۳»

(نسرین پعفری)

میلیارد دلار  $260 = 6,500 \times \frac{4}{100}$  = سهم دهک اول از درآمد ملی

برای محاسبه شاخص وضعیت توزیع درآمد، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.

میلیون نفر  $10 = \frac{50}{5}$  = جمعیت هر دهکمیلیون نفر  $100 = 10 \times 10$  = جمعیت کل کشور

سهم دهک‌های اول تا پنجم از درآمد ملی (به درصد)

 $30 = 9\% + 7\% + 5\% + 4\%$  =

سهم دهک‌های اول تا پنجم از درآمد ملی (به میلیارد دلار)

میلیارد دلار  $1,950 = 6,500 \times \frac{30}{100}$  = $6 = \frac{x}{4\%} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$  = شاخص دهک‌ها $x = 24\%$  (سهم دهک دهم)میلیارد دلار  $1,560 = 6,500 \times \frac{24}{100}$  = سهم دهک دهم از درآمد ملی

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴)

## ۲۵- گزینه «۲»

(مهروی ضیائی)

«پدیدآمدن نظام نوینی در مالیات‌ستانی و بودجه‌بندی کشور»، «افزایش قدرت اقتصادی دولت در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی» و «جداسدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود» از موارد مربوط به اقتصاد ایران در دوره پهلوی هستند.

## بررسی سایر موارد:

سیاست‌های رکودی و انقباضی مربوط به دوره قاجار است.

تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی مربوط به دوره قاجار است.

از دست دادن فرصت طلایی برای جبران کاستی‌ها مربوط به دوره قاجار است.

نوسازی و توسعه ایران در دوره پهلوی به صورتی ظاهری و سطحی و با صنایع مونتاژ انجام می‌شد نه با ایجاد زنجیره کامل خلق ارزش در صنعت.

(اقتصاد، مقایسه‌سازی اقتصادی، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

## ۲۶- گزینه «۲»

(مهروی ضیائی)

تولید بر روی منحنی مرز امکانات تولید (استفاده اقتصاد از بیشترین منابع خود) به معنای کارایی است؛ اما انتقال منحنی مرز امکانات تولید، به نقاطی که خارج از منحنی مرز امکانات تولید بودند و کشور آرزوی رسیدن به آن نقاط را داشته است، به معنای رشد اقتصادی است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

## روانشناسی

## ۳۱- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

مسئله عبارت است از:

عدم دستیابی فوری به یک هدف مشخص به دلیل موانع مشخص با توجه به امکانات و توانمندی‌های محدود.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

## ۳۲- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

مسئله «الف» یک مسئله خوب تعریف شده و مسئله «ب» یک مسئله خوب تعریف نشده است.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

## ۳۳- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

باید راه‌حل انتخاب شده را ارزیابی کرد. این کار باعث می‌شود تا ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم. در مثال صورت سؤال، محمدحسین باید مدت زمان رسیدنش به محل کار را قبل و بعد از استفاده از مترو مقایسه کند.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۰)

## ۳۴- گزینه «۲»

(مهسا عفتی)

به اثر نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی مشخص، «اثر نهفتگی» می‌گویند.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۲۳)

## ۳۵- گزینه «۱»

(مهروی باهردی)

عبارت مطرح شده در گزینه «۱»، بیانگر روش اکتشافی حل مسئله است. چون دستیابی به راه‌حل مسئله در آن تضمین نشده است، مبتنی بر نظر و احساس شخصی است و ممکن است با خطا مواجه شود.

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۹)

## ۳۶- گزینه «۳»

(مهروی باهردی)

پیامدهای مستقیم ناتوانی در حل مسئله عبارت‌اند از: ناکامی و فشار روانی

(روانشناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱)

## ۳۷- گزینه «۱»

(همیدرضا توکلی)

تصمیم‌گیری، عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت شناختی انسان است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

## ۳۸- گزینه «۳»

(فرهاد علی‌نژاد)

در متون دینی همواره به پرهیز از تصمیم‌گیری احساسی اشاره شده است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۵)

## ۳۹- گزینه «۱»

(مهسا عفتی)

تعارض گرایش - گرایش ناشی از ناتوانی در تصمیم‌گیری بین انتخاب دو موضوع جذاب و خواستنی است و بنابراین حالت عاطفی ناخوشایند شدیدی را ایجاد نمی‌کند.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

## ۴۰- گزینه «۱»

(مهسا عفتی)

در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و مهم باید از روش‌های میان‌بر استفاده کنیم.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۵۴)

(سارا شریفی)

## ۲۷- گزینه «۴»

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) نادرست است؛ تولید ناخالص داخلی (GDP) ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

(ب) نادرست است؛ تولید فقط محدود به تولید کالاهای ملموس مانند توپ و لبنیات نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله‌کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی را نیز شامل می‌شود و باید در محاسبه ما لحاظ شوند.

(ج) نادرست است؛ برای محاسبه تولید ناخالص داخلی، فقط باید ارزش کالاها و خدمات نهایی (نه محصولات واسطه‌ای) را در نظر بگیریم. ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای در تولیدات نهایی محاسبه شده است و اگر آن‌ها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد شده‌ایم.

(د) نادرست است؛ تنها ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک سال تقویمی (از اول فروردین تا پایان اسفند) در محاسبه تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود. (اقلام باقی‌مانده از سال قبل (یعنی چیزهایی که در یک سال) تولید و در سال بعد فروخته می‌شود.) در محاسبات تولید ناخالص داخلی منظور نمی‌گردد.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

## ۲۸- گزینه «۱»

(مانره حسینی)

تشریح موارد نادرست:

(ب) استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست و هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد.

(ج) اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند ثبات اقتصادی، استحکام اقتصادی، تاب‌آوری اقتصاد و پایداری بر مقاومت‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

(اقتصاد، مقاومت‌سازی اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۴)

## ۲۹- گزینه «۴»

(مانره حسینی)

(الف) درآمد ناخالص ملی سرانهٔ صربستان برحسب دلار PPP ← ۱۵/۲۱۸

(ب) میانگین سال‌های تحصیلی ایرلند ← ۱۲/۵

(ج) رتبه HDI ایران در سال ۲۰۱۷ ← ۶۳

(د) درآمد ناخالص ملی سرانهٔ ایران برحسب دلار PPP ← ۱۸/۱۶۶

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۵)

## ۳۰- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

نرخ رشد تولید

$$= \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times ۱۰۰$$

$$= \frac{۲۰}{۱۰۰} = \frac{۵,۲۵۰,۰۰۰ - x}{x}$$

$$= \frac{۱}{۵} = \frac{۵,۲۵۰,۰۰۰ - x}{x} \Rightarrow ۵(۵,۲۵۰,۰۰۰ - x) = x$$

$$\Rightarrow ۲۶,۲۵۰,۰۰۰ - ۵x = x \Rightarrow ۲۶,۲۵۰,۰۰۰ = ۶x$$

$$\Rightarrow x = \frac{۲۶,۲۵۰,۰۰۰}{۶} = ۴,۳۷۵,۰۰۰ \text{ تومان}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

## اقتصاد

## ۴۱- گزینه ۲

(نسرین معفری)

(الف)

۳۰ درصد کم‌درآمد جمعیت کشور = سهم دهک سوم + سهم دهک دوم + سهم دهک اول  
 $9\% = 4\% + 3\% + 2\%$   
 در نتیجه ۳۰ درصد کم‌درآمد جمعیت کشور، ۹ درصد از درآمد ملی را در اختیار دارند.

(ب)

میلیارد تومان  $5 = 250 \times \frac{2}{100}$  = سهم دهک اول از درآمد ملی

میلیارد تومان  $100 = 250 \times \frac{40}{100}$  = سهم دهک دوم از درآمد ملی

(ج)  $20 = \frac{40\%}{2\%}$  = سهم دهک دوم = شاخص دهک‌ها

(د)

(مجموع سهم تملی دهک‌ها به جز سهم دهک ششم)  $1000\% =$  سهم دهک ششم

( $40\% + 20\% + 8\% + 7\% + 5\% + 5\% + 4\% + 3\% + 2\%$ )  $1000\% =$  درصد

$94\% - 100\% = 6\%$  = سهم دهک ششم

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴)

## ۴۲- گزینه ۳

(مانره حسینی)

در دوره پایانی حکومت صفویه، اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد. این وضعیت با تغییر و تحول سریع در اروپا و شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ در آن قاره مصادف بود. دولت‌های اروپایی با تجهیز ناوگان خود به رقابت شدید نظامی و تجاری با یکدیگر و استعمار کشورهای دیگر پرداختند.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصادی، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۹)

## ۴۳- گزینه ۲

(نسرین معفری)

(الف) سرمایه‌گذاری بیشتر ← تولید بیشتر در همه زمین‌ها ← انتقال منحنی ۱ به سمت راست به شکل منحنی ۲

(ب) افزایش قدرت نظامی ← تولید بیشتر اسلحه و کالاهای نظامی ← حرکت روی منحنی مرز امکانات تولید از راست به چپ ← مانند: حرکت از نقطه C به B

(پ) رشد اقتصادی ← انتقال منحنی ۱ به سمت راست (منحنی ۲)

(ت) نقطه ناکارا (X) ← حرکت از حالت ناکارایی به استفاده درست و کامل از منابع ← حرکت از X به نقاط روی نمودار مانند C

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

## ۴۴- گزینه ۲

(مهردی ضیائی)

(الف) فروش نرم‌افزارهای کامپیوتری بدون رعایت حق تکثیر نمونه‌ای از تولیدات غیرقانونی است که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعبیت بخشی به این‌گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

(ب) انجام داوطلبانه درمان بیماری سرطان توسط انجمنی در اصفهان از خدماتی است که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی‌گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند!

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۰)

## ۴۵- گزینه ۴

(مانره حسینی)

## تشریح موارد نادرست:

(الف) روند افول اقتصاد ایران با حکومت رضاخان و تشکیل سلسله پهلوی ادامه یافت.

(ب) در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی در دوران حکومت پهلوی، قدرت اقتصادی دولت افزایش یافت. در این زمان، دولت با هدف ایجاد توسعه نمایشی به اجرای طرح‌های عمرانی متعدد در کشور پرداخت و به این ترتیب، بخشی از درآمد دولت صرف ساخت‌وساز شد.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصادی، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

## ۴۶- گزینه ۴

(نسرین معفری)

(الف)

= افزایش تولید کل ناشی از تورم در سال دوم

تولید کل در سال دوم به قیمت پایه - تولید کل در سال دوم به قیمت‌های جاری

واحد پولی  $247 = 5830 - 6077$

= افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال دوم

تولید کل در سال پایه - تولید کل به قیمت پایه در سال دوم

واحد پولی  $1540 = 4290 - 5830$

(ب)

$100 \times \frac{\text{تولید سال دوم} - \text{تولید سال سوم}}{\text{تولید سال دوم}} =$  رشد اقتصادی سال سوم

$$\frac{10}{100} = \frac{x - 5830}{5830}$$

$$\frac{1}{10} = \frac{x - 5830}{5830} \Rightarrow 5830 = 10x - 58300$$

$$10x = 5830 + 58300$$

$$\Rightarrow 10x = 64130 \Rightarrow x = 6413$$

واحد پولی  $x = 6413 \Rightarrow x = 6413$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

## ۴۷- گزینه ۲

(سارا شریفی)

## بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است. در نیمه اول حکومت صفویه: علاوه بر یکپارچگی سیاسی، اقتصاد یکپارچه و مستقلی که با سایر لایه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی کشور هماهنگی مناسب داشت، شکل گرفت. در دوره پایانی حکومت صفویه: اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد. حاکمان وقت تصور درستی از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود نداشتند و نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند.

گزینه «۲»: صحیح است.

گزینه «۳»: نادرست است. ویژگی عمده دوران حکومت پهلوی جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود و به جای تکیه بر پایه‌های بومی و درون‌زای داخلی و ملی به بیرون از مرزها و قدرت‌های بزرگ متکی بود.



## علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

## ۵۱- گزینه ۲

(یاسین موریان)

سنایی، ابتدا مدیحه‌گوی بود و در دوره دوم از حیات شعری خود، به سیر و سلوک معنوی پرداخت.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۴)

## ۵۲- گزینه ۲

(سیدعلیرضا علویان)

توجه به واژگان کهن (و نه عربی) همانند گلخن، بادافره، خلیدن و... در شعر برخی از شاعران بیداری دیده می‌شود و از ویژگی‌های زبانی این دوره است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

## ۵۳- گزینه ۱

(عزیزه یاسی‌پور)

بیت گزینه ۱ «سروده فرخی سیستانی از شاعران سبک خراسانی است. در سبک خراسانی استفاده زیاد از آرایه‌های ادبی معمول نبود و این بیت هم آرایه خاصی ندارد. در ابیات سایر گزینه‌ها که سروده حافظ (از شاعران سبک عراقی) هستند، آرایه‌های زیادی به چشم می‌خورند. توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی از ویژگی‌های ادبی سبک عراقی است که از سده‌های پنجم و ششم شروع شد.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲ «چاه زنج (اضافه تشبیهی) - چاه در مصراع دوم استعاره از زنج و دام استعاره از خم زلف - آویختن دل (استعاره مکنیه)

گزینه ۳ «گلوداشتن و نغمه‌کردن صراحی (استعاره مکنیه و تشخیص) - خون خم (اضافه استعاری و تشخیص) - صراحی و خم (مراعات نظیر)

گزینه ۴ «دیدن و غمگین‌بودن گل (استعاره مکنیه و تشخیص) - آتش شوق (اضافه تشبیهی)

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۴)

## ۵۴- گزینه ۳

(عزیزه یاسی‌پور)

خواجه عبدالله انصاری نثر موزون را به کمال رساند. متن صورت سؤال نیز از آثار او انتخاب شده است.

از میان افراد سایر گزینه‌ها، ابوالفضل میبیدی از سبک خواجه عبدالله پیروی کرده است و «کشف‌الاسرار و عده‌الابرار» را به سبک موزون نوشته است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۸۳)

## ۵۵- گزینه ۲

(سیدعلیرضا احمدی)

## بررسی ابیات:

الف) «راز و راز» جناس ناقص است. «است» اول اسنادی و «است» دوم غیراسنادی است. (جناس تام)

ب) باز (اول و دوم): پرنده شکاری، باز (سوم): دوباره / فاقد جناس ناقص

ج) «بند و چند» جناس ناقص دارد. «سازد» اول یعنی انجام دهد و «سازد» دوم یعنی بگرداند چرا که بند مجاز از اسارت است. (جناس تام)

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

## ۵۶- گزینه ۴

(ممن اصغری)

جناس تام: کنار: آغوش و کنار: ساحل

جناس ناقص: آن و آب

استعاره ندارد (آب دیده استعاره نیست و در معنای حقیقی به کار رفته است).

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱ «دهان شیشه و گوش جام / جناس: جام و جم

گزینه ۲ «استعاره ندارد - جناس: رزم و بزم

گزینه ۳ «استعاره: غنچه (استعاره از دهان) - جناس: جان و جهان - باد و باغ

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

گزینه ۴ «نادرست است. در دوره پایانی حکومت صفویه، اقتصاد ایران به تدریج رو به ضعف نهاد. حاکمان وقت تصور درستی از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود نداشتند و نتوانستند با انتخاب روش درست و بهره‌برداری از اوضاع خاص آن زمان، جریان پیشرفت و نوسازی را آغاز کنند. در دوران قاجار، ایران فرصت طلایی خود را برای جبران کاستی‌ها از دست داد.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۹)

## ۴۸- گزینه ۳

(سارا شریفی)

GDP اسمی در سال ۹۴ = GDP واقعی در سال ۹۴

تومان  $675,000 = (2500 \times 120) + (1250 \times 300)$

GDP واقعی در سال ۹۵  $=(2500 \times 230) + (1250 \times 410)$

تومان  $1,087,500$

نرخ رشد تولید واقعی در سال ۹۵  $= \frac{1,087,500 - 675,000}{675,000} \times 100$

= درصد ۶۱/۱۱

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

## ۴۹- گزینه ۲

(فارج از کشور ۹۳، با تغییر)

میلیارد ریال  $39 = \frac{3}{5} \times 65$  = ارزش خدمات ارائه‌شده

= تولید ناخالص داخلی

+ ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش خدمات ارائه شده

میلیارد ریال  $219 = 15 + 39 + 165$  = تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص داخلی سرانه جمعیت کشور

ریال  $3,369 = \frac{219,000}{65}$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

## ۵۰- گزینه ۳

## بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱ «شاخص‌های دیگری مانند: مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط‌زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی در ارزیابی از پیشرفت، در نظر گرفته نمی‌شود.

گزینه ۲ «تفاوت‌های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها در تعیین شاخص‌های پیشرفت دخالتی ندارد.

گزینه ۴ «اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای مختلف (مثلاً کشور ما با کشورهای سرمایه‌داری غربی) یکسان نیست.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۵)

## ۵۷- گزینه ۳»

(کظم کاطمی)

گزینه ۱: «جناس: میان (کمر) میان (وسط، مابین) / آرایه بیانی: تشبیه: موی میان (اضافه تشبیهی)

گزینه ۲: «جناس: دوش (کنف و پشت) دوش (شب گذشته) / آرایه‌های بیانی: استعاره: دامن محشر (اضافه استعاری) - مجاز: پیاله ← شراب

گزینه ۳: «جناس: ندارد / آرایه بیانی: کنایه: باد پیمودن ← کار بیهوده انجام دادن

گزینه ۴: «جناس: پدر و در / بهشت (جنت) و بهشت (رها کرد) / آرایه‌های بیانی: تشبیه: پرده تقوا (اضافه تشبیهی) - کنایه: از پرده به درافتادن ← رسوا شدن یا فاش شدن راز

(علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۵۸- گزینه ۲»

(کظم کاطمی)

در ابیات «ب» و «د» جناس اشتقاقی مشهود است:

(ب) مقدم و قدم (هم جناس می‌سازند و هم اشتقاق دارند).

(د) شعر و شاعر (هم جناس می‌سازند و هم اشتقاق دارند).

توجه: در سایر ابیات، به ترتیب «مطلع و طلوع»، «فضل و فضیلت» و «تعلیم و علم» اشتقاق را پدید آورده‌اند، اما جناس محسوب نمی‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بریع لفظی، صفحه ۹۶)

## ۵۹- گزینه ۳»

(مسن امغری)

استعاره: باز کردن بال برای شاعر (استعاره مکنیه)

ایهام تناسب: باز ۱- گشودن (معنای مورد نظر) ۲- نام پرند (معنای مورد نظر نیست اما با بال و مرغ و پر و آشیان تناسب دارد).

تشبیه: مرغ دل و آشیان فراق (اضافه تشبیهی)

جناس: باز و بال - در و پر

کنایه: باز کردن بال (پرواز کردن) - ریختن پر (ناتوانی و عجز)

(علوم و فنون ادبی (۱)، (۲) و (۳)، بیان و بریع، ترکیبی)

## ۶۰- گزینه ۲»

(سیدعلیرضا اهمری)

وزن بیت گزینه ۲: «۲»، همسان است و در عبارت‌های «زینت افزایند» و «زیور افزایی» حذف همزه مشهود است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «وزن بیت «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» است و فاقد حذف همزه است.

گزینه ۳: «وزن بیت «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن» است و فاقد حذف همزه است.

گزینه ۴: «وزن بیت «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن» است و فاقد حذف همزه است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۶۱- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

در این بیت بنا به ضرورت وزن باید کلمه «قاضی» به شکل «قاضی» خوانده شود. در باقی ابیات هیچ اختیار تغییر کمیت مصوت بلندی مشاهده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۵۲ و ۵۴)

## ۶۲- گزینه ۳»

(سیدعلیرضا اهمری)

## اختیارات زبانی در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «کسره در عبارت «طرف دیگر» بلند تلفظ می‌شود.

گزینه ۲: «حذف همزه در عبارت «نزدیک‌تر از»

گزینه ۴: «حذف همزه در عبارت «غیرتم آید» و کسره در عبارت «بیر مادر» بلند تلفظ می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۶۳- گزینه ۲»

(سیدعلیرضا اهمری)

مصوت بلند «ای» در پایان واژه «قآنی» کوتاه تلفظ می‌شود.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «وزن بیت «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» است و این وزن دوری یا همسان دولختی است.

گزینه ۳: «دار» در ابتدای مصراع دوم، کشیده است.

گزینه ۴: هر دو شعر از وزن «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» پیروی می‌کنند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۴)

## ۶۴- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

بیت گزینه ۴ فاقد اختیار زبانی حذف همزه است؛ چرا که در خوانش عروضی درست آن، در «جان‌سوزم» و «اثرها» در مصراع نخست، همزه حذف نمی‌شود و اصطلاحاً دو واژه بدون پیوستگی تلفظ می‌شوند. همچنین تلفظ دو واژه «خلق» و «اما» در مصراع دوم بدین شکل است. در این بیت، کسره اضافه در ترکیب‌های «قطره آب» و «چشم خلق» بلند تلفظ می‌شوند. (اختیار زبانی تغییر کمیت مصوت کوتاه)

## اختیارات زبانی سایر گزینه‌ها:

هر چهار بیت در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده‌اند.

گزینه ۱: «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در ترکیب «دل بحر» - فاقد حذف همزه

گزینه ۲: «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در «لرزان وجودم» - فاقد حذف همزه

گزینه ۳: «حذف همزه (خا کا می خت) - فاقد تغییر کمیت مصوت

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۶۵- گزینه ۱»

(سیدعلیرضا اهمری)

«گشت» ردیف است و «گلنار» و «نار» قافیه می‌باشند.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «افسانه» و «بیگانه» هم‌قافیه هستند و «خواند» و «داند» نیز شرایط قافیه را دارند.

گزینه ۳: «هزار» در مصراع نخست معنای بلبل و در مصراع دوم معنای عدد ۱۰۰۰ می‌دهد، پس می‌توانند قافیه بسازند. «چمن» و «من» نیز قافیه می‌سازند. دقت داشته باشید در ذوقافیتین این امکان وجود دارد که لفظی یکسان (مانند ردیف) میان دو قافیه تکرار شود. به این لفظ حاجب می‌گویند. در این مصراع، لفظ «از صد» حاجب است. برای مثال در بیت «چون ندید از یاری ما شیخ سود / باز گردانید ما را شیخ زود» واژه «شیخ» حاجب است و بیت ذوقافیتین است.

گزینه ۴: «باز» در مصراع اول به معنای دوباره و در مصراع دوم به معنای گشودن است؛ همچنین «غصه و القصه» هم با یکدیگر قافیه هستند («ه» الحاقی است. به دلیل وجود حرف الحاقی، اختلاف در مصوت کوتاه حروف قافیه مشکلی ایجاد نمی‌کند).

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

کتاب آبی)

## ۷۲- گزینه ۲»

در این دوره اصفهان، از دیدگاه ادبی توسعه یافت و به مادرشهر تبدیل شد. تأثیر فرهنگ هندی از طریق آشنایی شاعران ایرانی با تفکرات هندوان بود. فرهنگ هندی هم به شدت از فرهنگ ایرانی تأثیر می‌پذیرفت. (علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه ۵۹)

(سیرعلیرضا احمدی)

## ۷۳- گزینه ۴»

«دریا» استعاره از عشق و «موج» استعاره از اسباب رهایی از غم عشق و «بحر» استعاره از وصال و «ماهی» استعاره از عاشق  
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «شمع» استعاره از معشوق، «روغن» استعاره از شادی و «چراغ» استعاره از وجود

گزینه ۲: «آتش» استعاره از عشق است و «پنبه» استعاره از خوشی‌هاست  
گزینه ۳: «صحرا» استعاره از عالم عشق و «خدنگ» استعاره از غم عشق و «نخجیر» استعاره از عشاق

معنی بیت: شاعر عالم عشق را صحرائی دانسته که در آن سایه‌ها از رخنه‌های ایجاد شده توسط خدنگ غم، چون پلنگی هستند که به دنبال نخجیرهاست و این خدنگ غم به دنبال عشاق است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

(سیرعلیرضا احمدی)

## ۷۴- گزینه ۲»

در گزینه ۲، شاعر نفسی که عامل سخن است را مانند تار سازی دانسته که نغمه وصال معشوق را می‌دهد و در مصراع دوم می‌گوید هر بار که نبض دل می‌تپد صدای تپیدن آن صدای رسیدن پای بار را می‌دهد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «ذره» استعاره از سخنان نغز است.

گزینه ۳: پناه گرفتن خرد: تشخیص و استعاره مکنیه

گزینه ۴: «نگار» استعاره از یار

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

(سبار غلام‌پور)

## ۷۵- گزینه ۲»

«گردن تسلیم» اضافه اقترانی است و «دم شمشیر» اضافه استعاری و دارای تشخیص است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تشبیه مضمیر (پنهان) «ابرو به کمان»، بیت فاقد استعاره است.  
گزینه ۳: معشوق به خورشید و گل تشبیه شده و از آن‌ها هم برتر است. تشبیهات مصراع دوم نیز مشهود است. بیت استعاره ندارد.

گزینه ۴: در این گزینه مشبه محذوف «او» (معشوق) به ماه و سرو تشبیه شده و نسبت به آن‌ها هم برتری پیدا کرده است، در مصراع دوم نیز استعاره مشهود نیست.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

(ممسن اصغری)

## ۷۶- گزینه ۱»

تشبیه: کلک من [مثل] شاخ گلی است.

استعاره: شاخ (در مصراع دوم) استعاره از سخن / گل (در مصراع دوم) استعاره از معنی رنگین

مجاز: کلک (قلم) مجاز از سخن و شعر و کلام

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: تشبیه: گل روی - باغ لطافت - پرده صبر / استعاره: دامن گل  
گزینه ۳: تشبیه: پروانه‌وار - شمع چون رخش / استعاره: آتش دل (استعاره از عشق)

گزینه ۴: تشبیه: رخ چون گل

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

(سیرعلیرضا احمدی)

## ۶۶- گزینه ۳»

قافیه رباعی براساس قاعده ۲ است و «ی» به صورت الحاقی و حروف اصلی قافیه «ار» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: ردیف: بوده است

گزینه ۲: حرف روی آخرین حرف از حروف اصلی قافیه می‌باشد و در اینجا «ر» است.

گزینه ۴: «ی» حرف الحاقی می‌باشد. تبصره قافیه یعنی، حروف مشترک قافیه، دارای حرف یا حروف الحاقی باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

(کتاب آبی)

## ۶۷- گزینه ۴»

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سه بیت دیگر نفی تقلید است؛ اما در بیت گزینه ۴، مفهوم بیت حول شکایت عاشق از معشوق می‌گردد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۴۶)

(ممسن اصغری)

## ۶۸- گزینه ۳»

ج) استفهام انکاری «چگونه وصف تو گویم؟» نشان از توصیف‌ناپذیری معشوق دارد.

د) در این بیت هم استفهام انکاری داریم: چون درد من رسد به دوا؟ یعنی: درد من درمان‌ناپذیر است.

ب) «دریا به سوز سینه عاشق چه می‌کند؟» یعنی حتی آب دریا هم نمی‌تواند سوز دل عاشق را تسکین دهد و از این رو اشتیاق عاشق کم نمی‌شود.

الف) شاعر در این بیت، از «خامان رهنرفته» سخن می‌گوید که ذوق عشق را نمی‌فهمد (محرم اسرار عشق نیستند) و به دنبال دریادالی (عاشقی) می‌گردد که محرمان اسرار باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، ترکیبی)

(کاتم کاطمی)

## ۶۹- گزینه ۲»

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط: علاج‌ناپذیری درد عشق  
مفهوم بیت گزینه ۲: ناآگاهی طبیب قلبی از درد عشق یا بی‌خبری فرد غیرعاشق از ارزش ولای عشق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۵۵)

(ممسن اصغری)

## ۷۰- گزینه ۴»

مفهوم مشترک ابیات «ب، د»: آمادگی عاشق برای جان‌فشانی در راه عشق  
مفهوم بیت «الف»: ازلی بودن عشق

مفهوم بیت «ج»: وفاداری عاشق به معشوق تا لحظه مرگ

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۰۱)

## علوم و فنون ادبی (۲)

(مجتبی فرهادی)

## ۷۱- گزینه ۲»

ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن «کلیم کاشانی» را برجسته ساخته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

## ۷۷- گزینه ۴

(کظم کاطمی)

استعاره مکنیه در ابیات مورد نظر:  
 (ب) رخ گل (اضافه استعاری و تشخیص)  
 (د) «مدارا» مانند دانه‌های تصور شده که بتوان آن را کاشت و «جمعیت» آسودگی» مانند محصول یا میوه‌ای دانسته شده که بتوان آن را برداشت کرد.  
**بررسی استعاره در سایر ابیات:**

«ماه»، «غنچه خندان» و «سرو روان» به ترتیب در ابیات «الف»، «ج» و «ه» استعاره مصرحه از «معشوق» یا «یار شاعر» هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

## ۷۸- گزینه ۱

(یاسین موریان)

وزن این بیت، با توجه به اختیارات شاعری، هم «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است و هم «مفتعلن مفتعلن فاعلن». اگر بیت را با لحن کشیده بخوانیم (بدون حذف همزه در مصراع اول)، وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» به دست می‌آید و اگر آن را با لحن ضربی و تند بخوانیم (با حذف همزه در مصراع اول)، وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» به دست می‌آید که هر دوی آن‌ها، بر بیت کاملاً منطبق هستند.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۲: بیت در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» سروده شده است.

گزینه ۳: بیت در وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده است.

گزینه ۴: بیت در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده است. (علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه ۴۵)

## ۷۹- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)

**وزن گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه ۲: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

گزینه ۳: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه ۴: «فعولن فعولن فعولن فعل

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۸۰- گزینه ۴

(فرهاد فروزان‌کیا)

مفهوم کلی بیت صورت سؤال: «روزی انسان، مقدر است و با تلاش بیشتر نمی‌شود». در گزینه ۴، صائب تلاش را می‌ستاید و در پرسش انکاری مصراع دوم بر این باور است که تلاش انسان نیز لازم است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه ۱: صائب در این بیت، حرص برای تلاشی رزق را نکوهش می‌کند.

گزینه ۲: صائب در این بیت می‌گوید آفتاب حتی به لعل داخل سنگ هم می‌تابد (روزی می‌رساند)، بنابراین ما نیز نیازی نیست تلاشی کنیم، چون روزی هرکس مقدر است.

گزینه ۳: در این بیت هم صائب آشکارا به نفی تلاش [حریصانه] در جست‌وجوی روزی می‌پردازد و آزادی و بی‌ثمری سرو را ستایش می‌کند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، ترکیبی)

## علوم و فنون ادبی (۱)

## ۸۱- گزینه ۴

(مجتبی فرهادی)

«الف»: اثری که از سبک خواجه عبدالله پیروی کرده است، «کشف‌الاسرار» و «عدالابرار» اثر ابوالفضل مبدی است.

«د»: موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه‌مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف و زیباست. انوری و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند.

«ه»: در نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم، شاعران فارسی از ادبیات عرب و مضامین آن تأثیر پذیرفتند، نه برعکس.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳ و ۸۵)

## ۸۲- گزینه ۲

(مجتبی فرهادی)

متن از کتاب «تاریخ بیهقی» انتخاب شده است که ویژگی‌های عمده نشر دوره دوم را دارد:

استفاده از واژگان عربی در متن: صحن، معذور، استمداد، ورع، صلاح و...

آرایه تشخیص: آموختن ماه، استمداد گرفتن زهره / تناسب: ماه و زهره

سایر ویژگی‌های اشاره شده در گزینه‌ها، در متن انتخاب شده دیده نمی‌شوند (غیر از آرایه تشخیص که در گزینه ۴ نیز آمده است).

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۵)

## ۸۳- گزینه ۲

(سپار غلام‌پور)

این بیت دارای جناس ناهمسان حرکتی (بستان: باغ و پستان: بگیر) است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «آلتی برای شانه کردن مو ۲- کتف و دوش

گزینه ۳: «سیم: ۱- نقره ۲- استعاره از بینی

گزینه ۴: «خویش‌های قافیه: ۱- فامیل و آشنا ۲- خود

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۹۷)

## ۸۴- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

واژه‌های «حریم» و «حرم» دارای جناس اشتقاقی هستند.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه ۱: «خرد و خرید» هم‌ریشه نیستند و فاقد جناس اشتقاقی

گزینه ۲: «مدام و دام» دارای جناس ناقص افزایشی و فاقد جناس اشتقاقی

گزینه ۴: «قدر و مقدار» دارای اشتقاق

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۹۹)

## ۸۵- گزینه ۲

(یاسین موریان)

«فروغی» اول: فروغی بسطامی؛ «فروغی» دوم: روشنایی: جناس تام /

«گشته» و «گشته»: جناس ناهمسان حرکتی / «جان» و «جهان»: جناس

ناهمسان افزایشی / «همین» و «همان»: جناس ناهمسان اختلافی: ۴ جناس

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «میرم» اول: پادشاه هستم؛ «میرم» دوم: می‌میرم: جناس تام /

«شهر» و «شهید»: جناس ناهمسان اختلافی / «میر» و «امیر»: جناس

ناهمسان افزایشی: ۳ جناس

گزینه ۳: «چین» اول: پیچ و تاب؛ «چین» دوم: کشور چین: جناس تام /

«روی» و «روم»: جناس ناهمسان اختلافی / «بر» و «سر»: جناس ناهمسان

اختلافی: ۳ جناس

گزینه ۴: «روان» اول: روح؛ «روان» دوم: رونده: جناس تام / «دارد» و «دارم»:

جناس ناهمسان اختلافی / «یاد» و «یار»: جناس ناهمسان اختلافی: ۳ جناس

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۹۷ تا ۹۹)

## ۸۶- گزینه ۳

(کظم کاطمی)

قافیه در ابیات «الف، د، ه» طبق قاعده (۲) و در ابیات «ب و ج» طبق قاعده (۱) است.

الف) واژه‌های قافیه: گروه، شنو / حروف قافیه: ـو

ب) واژه‌های قافیه: پوید، جوید / حروف اصلی: و / حروف الحاقی: ید

ج) واژه‌های قافیه: گشاید، نماید / حروف اصلی: ا / حروف الحاقی: ید

د) واژه‌های قافیه: قاضی، راضی / حروف اصلی: اض / حروف الحاقی: ی

ه) واژه‌های قافیه: نو، درو / حروف اصلی قافیه: ـو

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه ۹۰)

## جامعه‌شناسی (۳)

## ۸۷- گزینه ۳»

(مبتهی فرهاری)

قافیه شدن واژه‌های «حق» و «متفق» امکان‌پذیر نیست، چون حروف «-ق» و «-ق» امکان قافیه شدن را از بین برده‌اند. (اگر در قاعده ۲ یعنی مصوت+صامت (+صامت)، مصوت کوتاه باشد و قافیه، حروف الحاقی داشته باشد، این مصوت کوتاه می‌تواند متفاوت باشد و قافیه در این صورت صحیح است ولی اگر قافیه فاقد حروف الحاقی باشد قافیه غلط است.)

## تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱: اگر واژه‌های قافیه در لفظ یکسان ولی در معنا متفاوت باشند قافیه درست است و جناس هم دارد. در این بیت «دیده‌ام» در پایان دو مصراع واژگان قافیه و صحیح است. (طبق قاعده ۲)

گزینه ۲: «بنگری و کفاری» واژه‌های قافیه و «-ر» و «-ر» حروف اصلی قافیه و «ی» الحاقی محسوب می‌شود. (اگر در قاعده ۲ یعنی مصوت+صامت (+صامت) مصوت کوتاه باشد و قافیه، حروف الحاقی داشته باشد این مصوت کوتاه می‌تواند متفاوت باشد و قافیه در این صورت صحیح است.)

گزینه ۴: «می‌ستان» و «بران» در پسوند «ان» مشترکند که نوع پسوند هر یک متفاوت با دیگری است و در این صورت قافیه صحیح محسوب می‌شود. (در صورتی پسوند یا پیشوند قافیه محسوب می‌شود که تکرار نشود.)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲)

## ۸۸- گزینه ۲»

(سیدعلیرضا علویان)

روایی و اهورایی کلمات قافیۀ این گزینه بوده که بر اساس قاعده یک قافیه شکل گرفته‌اند؛ «بی» الحاقی و «ا» حرف اصلی قافیه است.

سایر گزینه‌ها براساس قاعده ۲ می‌باشند؛ در گزینه ۱ «خویش و تشویش» در گزینه ۲ نیز و پاییز و در گزینه ۴ «کوتاه و ماه کلمات قافیه‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲)

## ۸۹- گزینه ۱»

(کاظم کاظمی)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: تأکید بر گوشه‌گیری و خلوت‌گزیدن و سودمنداندستن آن

مفهوم بیت گزینه ۱: ترجیح صحبت بر خلوت و نکوهش گوشه‌گیری و خلوت که به قصد شهرت‌طلبی انجام بگیرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

## ۹۰- گزینه ۲»

(مسن صغری)

در ابیات «ب و د» بر این مفهوم تأکید شده است که «عشق موجب بلندمرتبیگی و کمال انسان» است.

## تشریح سایر ابیات:

(الف) تأثیرگذاری عشق بر موجودات

(ج) تقابل عقل و عشق

(ه) آشکارشدن راز عشق

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

## ۹۱- گزینه ۳»

(آزیتا بیدری)

بر آن چه مشاهده می‌شود، تمرکز می‌کند ← رویکرد تبیینی فعالیت معنادار با توجه به دیگری ← کنش اجتماعی به معنای تأیید کنشگران نیست ← همراهی همدلانه دو بال موفقیت انسان‌ها ← نظم اجتماعی و خلاقیت

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۶، ۳۷ و ۳۹)

## ۹۲- گزینه ۱»

(آزیتا بیدری)

سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت چین برای تشویق و ترغیب مردم برای سکونت در شهر اوردوس، رویکرد تبیینی دولت چین است. در این رویکرد، صرفاً بر آن چه مشاهده می‌شود و روش تجربی تمرکز می‌شود؛ در حالی که کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد زیرا روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۷)

## ۹۳- گزینه ۴»

(آزیتا بیدری)

اندیشه‌های جدید و شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی پدید می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر رود. بزرگترین کشتار جهان توسط توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان ← علت سقوط ارزش‌ها و اخلاق‌گریزی است. پیامد یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی ← نادیده گرفتن اراده و خلاقیت

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

## ۹۴- گزینه ۲»

(آزیتا بیدری)

کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه‌شناسان قرار گرفت ← نظریه‌پردازان کنش اجتماعی آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند. ← زندگی اجتماعی انسان با تأکید بر آگاهی و معنا مطالعه می‌شود ← اراده و ارزش را مهم و برخاسته از آگاهی می‌دانند ← منجر به عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۴۰)

## ۹۵- گزینه ۳»

(آزیتا بیدری)

برگزاری جشنواره‌های زیبایی ← تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده تعبیر وبر از سلطه نظمی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد ← قفس آهنین معنای به روز بودن را در خود دارد ← فضای مجازی ویژگی مهم کنش از دیدگاه نظریه‌پردازان کنش اجتماعی ← اراده و ارزش مهم‌ترین ویژگی کنش ← آگاهی و معناداری

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۰)

## ۹۶- گزینه ۳»

(فاطمه صغری)

ماکس وبر معتقد بود کنش اجتماعی، معنادار است و پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی، از طریق حواس مطالعه کرد، بلکه باید معنای آن‌ها را فهمید. وبر با اینکه فهمیدن را برای درک معنای پدیده‌های اجتماعی ضروری می‌دانست، اما از آنجا که هنوز علم را به علم تجربی محدود می‌دانست، معتقد بود آنچه جامعه‌شناسان از مطالعه پدیده‌ها می‌فهمند، باید با روش تجربی اثبات شود و گرنه ارزش علمی ندارد. از این رو تفهم را روش مستقلی برای علوم انسانی نمی‌دانست، بلکه آن را مقدمه و

## جامعه‌شناسی (۱)

۱۰۱- گزینه «۲»  
 (آزیتا بیرقی)  
 تداوم تعارض فرهنگی ← تزلزل فرهنگی ← جهان اجتماعی توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را ندارد ← بحران هویت فرهنگی ← راه برای دگرگونی هویت فرهنگی باز می‌شود ← تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌رود ← تحولات هویت فرهنگی (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۰۲- گزینه «۱»  
 (آزیتا بیرقی)  
 پوچ‌انگاری ← انکار معنا برای زندگی انسان (د)  
 کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی ← علل درونی تحولات فرهنگی (ج)  
 تغییرات عمیق و کلان ← تحول اجتماعی (الف)  
 هویت اجتماعی افراد ← محصول عضویت گروهی (ب)  
 (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۹ و ۹۳)

۱۰۳- گزینه «۴»  
 (آزیتا بیرقی)  
 کاستی و خلاء معنوی (علت) ← بازاندیشی دانشمندان اجتماعی درباره بنیان‌های عقیدتی جهان اجتماعی (پیامد)  
 کهولت و مرگ جهان اجتماعی (پیامد) ← کاستی و بن‌بست‌های درونی (علت)  
 از دست رفتن اهمیت و اعتبار عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی (علت) ← شکل‌گیری چالش‌های هویتی فرهنگ (پیامد)  
 (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰ و ۹۳)

۱۰۴- گزینه «۱»  
 (آزیتا بیرقی)  
 الف) جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد.  
 ب) تحول فرهنگی منفی است.  
 هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد.  
 (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰ و ۹۲)

۱۰۵- گزینه «۳»  
 (آزیتا بیرقی)  
 مراض (سادو) ← نشان‌گر فرهنگ دنیاگریز  
 تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی  
 ← تحول فرهنگی مثبت و تحول فرهنگی منفی  
 تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق ← تعارض فرهنگی  
 ابداعات مثبت و منفی ← علل درونی تحولات فرهنگی  
 (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۳)

۱۰۶- گزینه «۱»  
 (فاطمه صفری)  
 غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب است.  
 قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره حشر، فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند. اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.  
 جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آن‌ها را نپذیرفت. مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها را رها کردند.  
 (جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷، ۹۹ و ۱۰۱)

پیش‌نیازی برای روش علمی که همان روش تجربی بود، می‌انگاشت. به همین دلیل، وبر جامعه‌شناسی خود را تفهیمی- تبیینی معرفی می‌کرد. از نظر او جامعه‌شناس، فقط می‌تواند آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی را توصیف کند؛ اما نمی‌تواند درباره آرمان‌ها و ارزش‌ها که پدیده‌های نامحسوس و غیرتجربی‌اند، داوری علمی کند. زیرا از نظر وبر، با این کار جامعه‌شناس از دایره علم خارج می‌شود یا با نام علم، کار غیرعلمی می‌کند.  
 (جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه ۴۸)

۹۷- گزینه «۴»  
 (فاطمه صفری)  
 ویژگی‌های متعالی مانند میل به جاودانگی، کمال‌جویی، سعادت‌طلبی، گرایش به زیبایی، تفرغ از ظلم، علاقه به کشف حقیقت، مورد توجه همه انسان‌هاست.

بررسی و مطالعه پدیده‌های انسانی و اجتماعی، بدون توجه به عمق آن‌ها، به نتیجه‌گیری‌های غلط و اشتباه منجر می‌شود.  
 زندگی‌نامه‌ها به ویژه زندگی‌نامه‌های خودنوشت، سفرنامه‌ها و کتاب‌های خاطرات از منابعی هستند که تصویر انسان‌ها را از معنای زندگی نشان می‌دهند.  
 لازمه شناخت پدیده‌های اجتماعی، شناخت صحیح و توأمان، تفاوت‌های فردی- اجتماعی و وجوه مشترک انسان‌هاست.  
 (جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۴۴ و ۴۷)

۹۸- گزینه «۴»  
**تشریح موارد نادرست:**

پرسش از معنای زندگی و ده‌ها پرسش دیگر مرتبط با آن، همواره ذهن انسان‌ها و بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. این پرسش‌ها در جهان متجدد و در میان صاحب‌نظران علوم اجتماعی نیز مطرح بوده‌اند.  
 موقعیت اجتماعی جزء ویژگی‌های اجتماعی مؤثر بر پیچیدگی کنش‌های انسانی است.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۴۳، ۴۵ و ۴۶)

۹۹- گزینه «۳»  
 (فاطمه صفری)  
 وجود نظریات متفاوت، نشانه پیچیدگی و عمق پدیده‌های اجتماعی و البته دشواری فهم آن‌هاست.

مسئله معنا درباره کل زندگی انسان و در مورد تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله کنش‌ها مطرح است.

در قرن نوزدهم میلادی برخی از متفکران اجتماعی آلمانی از جمله ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هرچند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی، نظم و قواعد خاصی دارد اما انسان‌ها مانند موجودات طبیعی نیستند و پدیده‌های اجتماعی نیز با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۴۳، ۴۶ و ۴۸)

۱۰۰- گزینه «۴»  
 (فاطمه صفری)  
 برخی رویکردها برای دستیابی به پاسخ‌های ساده و کاملاً قابل پیش‌بینی درباره چرایی وقوع پدیده‌های اجتماعی، پیچیدگی و عمق این پدیده‌ها را نادیده می‌گیرند و از پدیده‌های اجتماعی و انسانی، هویت‌زدایی می‌کنند.  
 شباهت فداکردن جان برای وطن و خودکشی، دست شستن از جان و زندگی در دنیا و استقبال از مرگ است.

این پرسش که چگونه می‌توان معنای زندگی و معنای کنش انسان‌های دیگر را فهمید، یکی از پرسش‌های مهم و کلیدی برای اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، معنای زندگی، صفحه‌های ۴۳ و ۴۶)

## جامعه‌شناسی (۲)

۱۰۷- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، داد و ستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر، ایران و ... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

(یامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۱۰۸- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای جهان اجتماعی مبهور و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند؛ در آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می‌گیرند. جهان اجتماعی خودباخته، ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهور و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

(یامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۸)

۱۰۹- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

## تشریح موارد نادرست:

ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های آن را فراموش نکنند و به آن‌ها تعلق خاطر داشته باشند آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است.

(یامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۶ و ۹۹ و ۱۰۱)

۱۱۰- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار ازخودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای ازخودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار ازخودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

(یامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۰۱)

۱۱۱- گزینه «۲»

(نگار غلامی)

اولین مراکزی که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند شهرهای صنعتی بودند.

با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، بحران‌های منطقه‌ای به سرعت آثار و پیامدهای جهانی خود را آشکار ساختند. (یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۳ و ۹۵)

۱۱۲- گزینه «۱»

(نگار غلامی)

سرمایه‌داران با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن، افزوده می‌شود.

- بحران‌های اقتصادی اگر کنترل نشوند، منجر به فروپاشی حکومت‌ها می‌شوند. - سال ۱۸۲۰ م. در انگلستان

(یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۱۱۳- گزینه «۴»

(نگار غلامی)

- هنگامی که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزند، بحران اتفاق می‌افتد.

- برخی متفکران، مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم را بحران‌های زیست‌محیطی می‌دانند.

- در نگاه تمدن غرب، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف در آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.

(یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱، ۹۳ و ۹۵)

۱۱۴- گزینه «۱»

(نگار غلامی)

علت رونق بخشیدن به بازار معنویت‌های کاذب و دروغین: گریز و رویگردانی از سکولاریسم

علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان: نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراءطبیعی

علت پسامدرن خواندن دانشمندانی که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کردند: از اصول جهان مدرن عبور کرده و به فراسوی آن رسیده‌اند.

(یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۲)

۱۱۵- گزینه «۳»

(نگار غلامی)

سکولاریسم و دنیوی‌گرایی به ترتیب در هنر، اقتصاد، سیاست، علم مطرح شدند و زندگی خصوصی، فرهنگ عمومی جامعه غربی همچنان دینی باقی ماند.

(یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۱۰۱)

۱۱۶- گزینه «۳»

(نگار غلامی)

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داورهای ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود.

جامعه‌شناسان قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند.

(یامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۹)

۱۱۷- گزینه «۴»

(ارغوان عبدالملکی)

منورالفکران غرب‌گرا، نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را یک فرصت می‌دانستند.

(یامعه‌شناسی (۲)، پیداری اسلامی و جهان پرپر، صفحه‌های ۱۰۹ تا ۱۱۱)

## ۱۱۸- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

- گسترش سریع صنعت و فناوری مدرن، با وجود اینکه توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده، زبان‌های جبران‌ناپذیری به او و طبیعت وارد کرده است.

- به منظور چاره‌اندیشی برای آسیب‌ها، همایش‌های بین‌المللی متعددی درباره بحران زیست‌محیطی برگزار شده است.

- انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

## ۱۱۹- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

رهاورد حکومت منورالفرکان غرب‌گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری است. آن‌ها به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش ساختند و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را سرکوب می‌کردند.

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان بریر، صفحه ۱۱۲)

## ۱۲۰- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

نخستین بیدارگران اسلامی، کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند، توجه کردند. در حالی که قدرت‌های سیاسی جوامع اسلامی، از یک‌سو مرعوب آن و از سوی دیگر، شیفته فرهنگ غرب بودند.

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان بریر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

## جامعه‌شناسی (۱)

## ۱۲۱- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

## تشریح مورد نادرست:

تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۳)

## ۱۲۲- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

فرایند تبدیل یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر:

تداوم شیوه‌های ناسازگار با عقاید و ارزش‌ها (تعارض فرهنگی) ← مورد تردید قرار گرفتن آرمان‌ها و ارزش‌های جهان اجتماعی (تزلزل فرهنگی) ← عدم توانایی جهان اجتماعی در دفاع و حفظ ارزش‌های خود (بحران هویت) ← تبدیل جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر (تحول فرهنگی)

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

## ۱۲۳- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های جهان اجتماعی مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۳)

## ۱۲۴- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

در تحول اجتماعی یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۹)

## ۱۲۵- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

کاستی‌ها و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کهنوت و مرگ می‌شود.

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آن‌ها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۳)

## ۱۲۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

خودباختگی فرهنگی، یک آسیب عمیق فرهنگی است که مانع تعامل و دادوستد فرهنگی می‌شود. در تعاملات جهان‌ها، هرگاه یک جهان اجتماعی بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن نیز سرایت کند؛ در این صورت اگر به مرور زمان به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، تحولات هویتی پیدا می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷ تا ۹۹)

## ۱۲۷- گزینه «۳»

(ارغوان عبدالملکی)

به دلیل اهمیتی که اسلام به عقل و عقلانیت می‌دهد، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در علوم مختلف آن‌ها نیز تصرف کرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۷)

## ۱۲۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با غرب به دلیل این‌که مرعوب قدرت سیاسی و اقتصادی غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۹)

## ۱۲۹- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

معنای اول از خودبیگانگی فرهنگی این است که یک جامعه فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند. در خودباختگی فرهنگی نیز، جهان خودباخته ارتباطش با فرهنگ و تاریخ خود را از دست می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۸ تا ۱۰۱)

## ۱۳۰- گزینه «۳»

(ارغوان عبدالملکی)

- مصر در تعامل با جهان اسلام و پذیرش عقاید و ارزش‌های توحیدی آن، دچار تحولات هویتی شد.

- جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.

- غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷ تا ۹۹)



## عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

## ۱۳۱- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیروری)

«إِذَا»: هرگاه، چون / «قُرئَ»: (فعل ماضی مجهول) خوانده شود (رد گزینه ۲) / «استمعوا»: (فعل امر) گوش فرا دهید (رد گزینه ۱) / «أَنْصَتُوا»: سکوت کنید (رد گزینه ۱) / «لعلَّ»: امید است، شاید (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «تُرْحَمُونَ»: (فعل مضارع مجهول) مورد رحمت قرار گیرید (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

## ۱۳۲- گزینه «۲»

(ولی بریی - ابهر)

«قَدْ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا»: گاهی وقتی طولانی می‌گیرد (رد گزینه ۴) / «يَكُونُ»: می‌باشد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «طبقات الصَّخُورِ»: لایه‌های صخره‌ها (رد گزینه ۳) / «فی باطن الأرض»: در درون زمین (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

## ۱۳۳- گزینه «۳»

(بهروز هیدرلی)

«البناء»: (اینجا) ساختمان‌سازی / «كانوا»: بودند (رد سایر گزینه‌ها) / «استخدام»: به کار بردن / «يُسَهِّلُ»: ساده می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «الأمور الصَّعْبَة»: امور سخت

(ترجمه)

## ۱۳۴- گزینه «۲»

(ولی بریی - ابهر)

«كانت»: بود (رد گزینه ۱) / «الدنيا الفانية»: (ترکیب وصفی) دنیای فانی (رد گزینه ۳) / «عند إمامنا»: نزد امامان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أهون»: (اسم تفضیل) پست‌تر (رد گزینه ۴) / «تَقْضِمُهَا»: آن را می‌جوید (رد گزینه‌های ۱ و ۳). نکته: «تَقْضِمُ» جمله وصفیه است و ماضی استمراری ترجمه می‌شود؛ چون یک فعل مضارع است که فعل جمله قبلیش، به صورت ماضی آمده است. (ماضی + مضارع ← ماضی استمراری)

(ترجمه)

## ۱۳۵- گزینه «۳»

(بهروز هیدرلی)

«الذَّهَبُ الْأَسْوَدُ»: طلای سیاه / «قِيمٌ»: ارزشمند (رد گزینه ۲) / «يُصَدِّرُ»: (فعل مضارع مجهول) صادر می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «الْبُلْدَانُ الصَّنَاعِيَّةُ»: کشورهای صنعتی (رد گزینه ۱)؛ «الصَّنَاعِيَّةُ» صفت است که به صورت مفرد مؤنث آمده و «الْبُلْدَانُ» جمع غیرانسان است نه مثنی. در گزینه «۱»، «که» اضافی است. در گزینه «۲»، «با اینکه» نیز اضافی است.

(ترجمه)

## ۱۳۶- گزینه «۱»

بررسی تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «رب» به معنی «پروردگار» است. «مرضیة» اسم مفعول است ← در حالی که که مورد رضایت است.

گزینه «۳»: دقت کنید که: اِمتِنِعْ: خودداری کرد / مَنَعَ: باز داشت، منع کرد ← کان ... قد امتنعوا: خودداری کرده بودند.

گزینه «۴»: «سلب» به معنای «به زور گرفتن» است. جلب شعيرة ← پوست جو (ترجمه)

## ۱۳۷- گزینه «۲»

(ولی بریی - ابهر)

در گزینه «۲»، «سَتَقَفَ» به معنای «خواهد ایستاد، متوقف خواهد شد» است. («حافلة» فاعل آن است). ترجمه درست عبارت: در ایستگاه ۱۰ دقیقه اتوبوسمان خواهد ایستاد تا مسافران به سرویس‌های بهداشتی بروند!

(ترجمه)

## ۱۳۸- گزینه «۲»

(اسماعیل علی‌پور)

«هنگامی که»: إذا، عندما، لما / «تیممان»: فریقنا (رد گزینه ۴) / «پیروز شد»: انتصر، غلب، فاز (رد گزینه ۳) / «به دست آورد»: حصل علی، کسب، اکتسب / «تماشاچیان را خوشحال دیدم»: «خوشحال» باید به صورت قید حالت ترجمه شود) رأیت المُنْفَرَجِينَ مَسْرورِينَ، شاهدت المُنْفَرَجِينَ و هم فَرِحون (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

## ۱۳۹- گزینه «۴»

(علی مسن‌زاده)

شعر فارسی با ترجمه متن عربی همخوانی ندارد و مفهوم درست آن را بیان نمی‌کند. ترجمه متن عربی صورت سؤال: چیزها به وسیله متضادهایشان شناخته می‌شوند!

(مفهوم)

## ۱۴۰- گزینه «۳»

(اسماعیل علی‌پور)

«بیکی» ← «حال» نیست، بلکه خبر جمله اسمیه است و کَلَّ جمله «هو بیکی» حال می‌باشد. «استغاث» ← «حال» نیست و «الناس» مفعول آن است، نه فاعل. ترجمه عبارت: دیوار بر سر کودک ویران شد پس از مردم یاری طلبید درحالی که گریه می‌کرد.

(تفلیل صرفی و اعراب)

## ۱۴۱- گزینه «۲»

(اسماعیل علی‌پور)

«انتقلت» فعل ماضی، للغائبة، ثلاثی مزید از باب افتعال (مصدر «انتقال»)، معلوم و لازم است (مفعول ندارد) و فاعل آن «أخشاب» می‌باشد. ترجمه عبارت: چوب‌ها از جنگل به کارخانه ورق (تولید کاغذ)، منتقل شدند. (تفلیل صرفی و اعراب)

## ۱۴۲- گزینه «۴»

(اسماعیل علی‌پور)

«أخبر» فعل مجهول است، پس «جیران» نائب فاعل می‌باشد. همچنین دقت کنید «جیران» جمع مکسر و مفرد آن «جَارٌ» است. «ان» در آخر آن، جزئی از خود کلمه است و علامت مثنی نیست. ترجمه عبارت: قبل از طلوع خورشید، همسایگان از آنچه در خیابانمان اتفاق افتاد، باخبر شدند.

(تفلیل صرفی و اعراب)

## ۱۴۳- گزینه «۱»

(مهمدر علی کاظمی نصرآبادی)

دقت کنید «تَقَدَّمَ» (پیشرفت کرد) فعل ماضی است اما «تَقَدَّمَ» (پیشرفت، پیشرفت کردن) مصدر است، در این گزینه با توجه به ترجمه جمله، مصدر صحیح است. (ترجمه جمله: پیشرفت دانش‌آموزان را در مدارس کشور می‌دیدیم!)

(فبیط حرکات)

## ۱۴۴- گزینه «۴»

(ولی برمی- ابر)

در همه گزینه‌ها به جز گزینه «۴»، «یستخدم» مضارع معلوم است و فاعل و مفعولش نیز همراهش آمده است:

در گزینه «۱»، «العمّال» فاعل و «تلك» مفعول است. در گزینه «۲»، «الأنبوب» مفعول و «ذلك» فاعل است. (دقت کنید که «الأنبوب» منصوب و با علامت فتحه ظاهر شده است.)

در گزینه «۳»، فاعل «الخبراء» است و ضمیر «ها» نیز مفعول می‌باشد.

## ترجمه عبارات:

گزینه «۱»: کارگران آن لوله‌ها را برای انتقال نفت به کار می‌گیرند!

گزینه «۲»: آن کشاورز لوله را برای انتقال آب به کار می‌گیرد!

گزینه «۳»: آن‌ها لوله‌هایی هستند که کارشناسان آن‌ها را برای انتقال نفت به کار می‌برند!

گزینه «۴»: آن لوله برای انتقال آب به کشتزارها به کار گرفته می‌شود!

(قواعد فعل)

## ۱۴۵- گزینه «۱»

(پهروز و بان)

در گزینه «۱»، «هؤلاء» نایب فاعل و از کلمات مبنی است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در این عبارت، فعل مجهولی وجود ندارد، پس نایب فاعل نداریم. «اشجع» فعل مضارع معلوم (از صیغه متکلم وحده) است، «اولئك» نیز مفعول آن است.

گزینه «۳»: «سائل» نایب فاعل و مرفوع؛ معرب است.

گزینه «۴»: «النفط» نایب فاعل و مرفوع؛ معرب است.

(قواعد فعل)

## ۱۴۶- گزینه «۳»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

صورت سؤال، کلمه‌ای را می‌خواهد که در هنگام مجهول کردن جمله، حذف می‌شود. دقت کنید وقتی می‌خواهیم یک جمله معلوم را به مجهول تبدیل نماییم، فاعل (انجام‌دهنده فعل) آن را حذف می‌کنیم.

در گزینه «۳»، «النّاقلات» فاعل و «لنّقط» مفعول است، پس باید «النّاقلات» حذف شود. (ترجمه جمله: نفتکش‌های مجهّز به جدیدترین فناوری‌ها، نفت را به کشورهای دیگر انتقال می‌دهند!)

در سایر گزینه‌ها، فاعل به درستی مشخص شده است. در هنگام مجهول کردن جمله، فاعل باید حذف گردد.

(قواعد فعل)

## ۱۴۷- گزینه «۱»

(پهروز هیررکی)

## تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «نشیطین» حال از نوع اسم است، نه جمله. دقت کنید حرف «واو» در «أنا و زملائی» برای عطف آمده است و نشان‌دهنده جمله حالیه نیست.

گزینه «۲»: «و هی مملوءة» جمله حالیه است.

گزینه «۳»: «و هنّ مبتسمات» جمله حالیه است.

گزینه «۴»: «و هم محزونون» جمله حالیه است.

(حال)

## ۱۴۸- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

«متأخرتین» حال است برای مرجع «المسافرتان»، و منصوب است با «ی».

## تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، «مُسَهَّلَةٌ» صحیح است، زیرا مرجع آن (المخترعات) جمع غیرانسان است، پس حال برای آن به صورت مفرد مؤنث ذکر می‌شود. در گزینه «۲»، «مبتسمین» درست است، زیرا حال باید منصوب بیاید، نه مرفوع. در گزینه «۴»، «فرحون» درست است، با توجه به ضمیر «هم» و مرجع حال که جمع آمده است، «فرحون» به شکل جمع صحیح است.

(حال)

## ۱۴۹- گزینه «۴»

(سیره میا مؤمنی)

در گزینه «۴»، حال به صورت یک جمله اسمیه آمده است، «مُبتسم» خبر جمله اسمیه است و باید مرفوع بیاید، نه منصوب:

«و أنا مُبتسماً» × «و أنا مُبتسم» ✓

(حال)

## ۱۵۰- گزینه «۳»

(ولی برمی- ابر)

در این عبارت، «مُتَعَجِّباً»، «و هم یلعبون» و «مَسْرورین» حال هستند. (ترجمه عبارت: مرد با تعجب از فرزندش پرسید: آیا دوستانت را در میدان ندیدی در حالی که آن‌ها با شادمانی بازی می‌کردند.)

**نکته:** حال می‌تواند به شکل یک اسم یا به شکل یک جمله (+ مبتدا+ خبر) بیاید.

(حال)

## عربی زبان قرآن (۲)

## ۱۵۱- گزینه «۱»

(درویشعلی ابراهیمی)

«لم ينظروا»: ننگریسته‌اند، ننگریستند (رد گزینه ۳) / «إلى السماء فوقهم»: به آسمان در بالای سرشان، به آسمان بالای سرشان (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «كيف»: چگونه / «بنینها»: آن را ساختیم (ساخته‌ایم) (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

## ۱۵۲- گزینه «۴»

(پهروز هیررکی)

«هذا الرجل»: این مرد / «ضرب»: زده شده است (رد گزینه ۳) / «ما أتاه»: نزد او نیامده (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «ردّة خائبا»: او را ناامید برگردانده باشد (برگرداند) (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «ردّة فعل متعدی و «ه» مفعولش است.

(ترجمه)

## ۱۵۳- گزینه «۱»

(ولی برمی- ابر)

«عدياً الذی»: عدی که (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «كان»: بود (رد گزینه ۳) / «لما سمع»: وقتی شنید، هنگامی که شنید (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أسلم»: (ماضی) مسلمان شد، اسلام آورد (رد گزینه ۳) / «إليه»: به سوی او (رد گزینه ۴)

در گزینه «۴»، «جانشین حاتم طائی شد» در عبارت عربی وجود ندارد.

(ترجمه)

## ۱۵۴- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «لا یظلموا: نباید ظلم کنند» ← «لا» برای نهی آمده و نون را از آخر فعل مضارع حذف کرده است.

گزینه «۲»: «لا ییأس: نباید ناامید شوند»

(مر تفضی کاظم شیروزی)

## ۱۶۰- گزینه «۴»

**تکن:** هرگاه فعل نهی، از صیغه اول شخص یا سوم شخص باشد، در ترجمه فارسی آن از واژه «نباید» استفاده می‌شود، هم‌چنین حرف جرّ «علی» هرگاه همراه «لا» بیاید، گاهی به معنای «نباید» ترجمه می‌شود: علیهم أن لا یخافوا: نباید بهراسند.

ترجمه عبارت گزینه «۴»: برخی دانش‌آموزان نحوه یادگیری را نمی‌دانند، پس نباید از سختی درس‌ها بهراسند!

(قواعد فعل)

## عربی زبان قرآن (۱)

(کتاب آبی)

## ۱۶۱- گزینه «۱»

«لا تَعِشْ (فعل نهی): زندگی مکن / فی الماضي»: در گذشته (رد گزینه ۲) / «و ما»: و آنچه، و چیزی که «چیزهایی که» در گزینه ۲ ترجمه صحیحی برای آن نیست. / «وقع (فعل ماضی): رخ داده است، روی داد» (رخ داده بود» در گزینه ۲ و «واقع می‌شود» در گزینه ۴ نادرست هستند.) / «فیه»: در آن «در آن‌ها» در گزینه ۲ نادرست است. / «حتی لا یُضِیْعُ (مجهول): تا ضایع نشود، تا تباہ نگردد» «تباہ سازی» و «تباہ نساختن» در گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست هستند. / «مُستقبلک»: آینده‌ات (دقت کنید که «مستقبلک» مفعول نیست، بلکه نائب فاعل فعل مجهول «لا یُضِیْعُ» است، لذا ترجمه شدن آن به صورت «مفعول» در گزینه ۳ نادرست است.)

(ترجمه)

(مر تفضی کاظم شیروزی)

## ۱۶۲- گزینه «۴»

«المُنْتَجَاتُ النَّفْطِیَّة»: فراورده‌های نفتی، تولیدات نفتی / «استخدامات عدیة»: کاربردهای زیادی / نکته: گاهی حرف جرّ «ل» به معنای «داشتن» است (رد گزینه ۳) / «منها»: از جمله آن (رد گزینه ۱) / «فی صناعة»: در ساخت / «المطاط»: کائوچو، پلاستیک (رد گزینه‌های ۲ و ۳؛ زیرا اسم مفرد است) / «مُیِدَاتُ الحِشْرَات»: حشره‌کش‌ها / «یستخدمها»: از آن استفاده می‌کنند (رد گزینه ۱) / «لتقلیل الصّداع»: برای کم کردن سردرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳؛ «تقلیل» مصدر است به معنای «کم کردن».)

(ترجمه)

(سیرمفرد علی مرتضوی)

## ۱۶۳- گزینه «۱»

«النّاس»: مردم (رد گزینه ۴) / «یحتاجون»: نیاز دارند (رد گزینه ۳) / «أجهزة حدیثة»: ابزارهای تازه‌ای (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لکی یقل»: برای اینکه کم شود (رد سایر گزینه‌ها) / «استهلاکُ الکهرباء»: مصرف برق / «فی بیوتهم»: در منازلشان (رد گزینه ۲)

در گزینه «۲»، «امروزه» و در گزینه «۴»، «بتوانند» اضافی است و معادلی برای آن‌ها در عبارت عربی داده شده وجود ندارد.

(ترجمه)

(درویشعلی ابراهیمی)

## ۱۶۴- گزینه «۴»

«القسم الأكبر منها»: بخش بزرگتر آن‌ها / «نستفیدها»: از آن استفاده می‌کنیم

## تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، «دارای - ثروت‌های زیاد و گرانبهایی»، در گزینه «۲»، «یکی - انواع معدن - روی» و در گزینه «۳»، «این - سایر کشورها» نادرست است.

(ترجمه)

گزینه «۴»: «إِرحَم: رحم کن» ← فعل امر مخاطب است. / «چو» در این عبارت اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد.

(ترجمه)

(علی مفسر زاده)

## ۱۵۵- گزینه «۲»

«ترک نکردند»: لم یترک، لم یترکوا، لم یترکن (رد گزینه ۴) / «درس خواندن»: الدّراسة (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «پیشرفت کشور خود»: تقدّم بلدِهِم، تقدّم بلدِهِنّ (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

(مفرد علی کاظمی نصرآباری)

## ۱۵۶- گزینه «۳»

«دانشمند بدون عمل، مانند درخت بدون میوه است»؛ مفهوم عبارت عربی با مفهوم فارسی «توهم عالم بودن نادان از سوی خودش» در ارتباط نیست.

(مفهوم)

(مر تفضی کاظم شیروزی)

## ۱۵۷- گزینه «۳»

«لا تُرَاجِعْ» در صیغه غائب است، نه مخاطب؛ زیرا عبارت به «المرأة» برمی‌گردد. ترجمه: «زن زبان عربی را آموخت و پس از مدتی دعاها را می‌خواند و به ترجمه‌اش مراجعه نمی‌کرد!». هم‌چنین «لا تُرَاجِعْ» فعل معلوم است نه مجهول، زیرا پس از آن مفعول هم آمده است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

(پیروز وهان)

## ۱۵۸- گزینه «۴»

## موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: لا تَخَفُ ← لا تَخَفُ (لا نهی است، پس آخر فعل مضارع باید مجزوم شود و علامت سکون بیاید)

المُسَلِّم ← المُسَلِّم (اسم فاعل است، نه اسم مفعول)

گزینه «۲»: لِيُسَاعِدْ ← لِيُسَاعِدْ (فعل مضارع منصوب و لِ ناصبه است، نه جازه؛ پس فعل مضارع منصوب می‌شود و آخرش علامت فتحه می‌گیرد)

گزینه «۳»: لَتَعَلَّم ← لَتَعَلَّم (لِ از حروف جر است، نه ناصبه و اینکه «تَعَلَّم» مصدر باب تفعّل و یک اسم است، نه فعل مضارع)

(ضبط حرکات)

(سیره میا مؤمنی)

## ۱۵۹- گزینه «۱»

**تکن:** «طَلَبٌ لِلقيام بالعمل: فعل امر»

در گزینه «۱»، «ل» معنای «باید» می‌دهد و دلالت بر امر دارد:

«باید تلاش کنیم تا خودمان را به اهداف والا برسانیم.»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «برای اینکه در امتحان پایان سال موفق شوم، باپشتکار مطالعه کردم.»

گزینه «۳»: «مادر از فرزندانش خواست تا به او در تمیزکردن اتاق کمک کنند.»

گزینه «۴»: «باید با خوشبینی با زندگی مواجه شویم تا به موفقیت دست یابیم.»

(قواعد فعل)

## تاریخ و جغرافیا (۳)

## ۱۶۵- گزینه «۲»

(پروز و بان)

«نفت و فراورده‌های آن صادر می‌شود»: یَصَدِّرُ النَّفْطَ وَ مُنتَجَاتِهِ (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «با نفتکش‌های بزرگ نفت»: بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ الْكَبِيرَةِ (رد سایر گزینه‌ها) / «از بنادر»: مِنَ الْمَوَاقِعِ (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

## ۱۶۶- گزینه «۲»

(پروز و بان)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاعل و مرفوع ← نائب فاعل و مرفوع («تستخدام» فعل مضارع مجهول است)

گزینه «۳»: مفعول ← مجرور بحرف الجرّ

گزینه «۴»: للمفرد المذكر المخاطب ← للمفرد المؤنث الغائب (للاغائبه)

(تلمیل صرفی و اعراب)

## ۱۶۷- گزینه «۳»

(دریوشعلی ابراهیمی)

کلمه «الوالدتان» اسم مثنی است و به صورت «الوالداتان» درست است و کلمه «أطعمه» نیز جمع مکسر «طعام» است و به صورت «أطعمه» صحیح است.

(قواعد فعل)

## ۱۶۸- گزینه «۳»

(اسماعیل علی‌پور)

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که دو فعل موجود در آن، از نظر معلوم یا مجهول بودن، یکسان باشند.

در همه گزینه‌ها به جز گزینه «۳» یک فعل معلوم و یک فعل مجهول داریم. ولی در گزینه «۲» هر دو فعل مجهول اند.

«أمراض» مرفوع است پس باید یا فاعل باشد و یا نائب فاعل، که اگر آن را فاعل در نظر بگیریم، جمله معنی نمی‌دهد؛ پس «أمراض» نائب فاعل است و در نتیجه، «یعالج» فعل مجهول است. (یُعالجُ)

(قواعد فعل)

## ۱۶۹- گزینه «۴»

(مرتضی کاظم شیروزی)

در گزینه «۴»، دو فعل مجهول و دو نائب فاعل وجود دارد؛ تحضر: مضارع مجهول، بئر: نائب فاعل و مؤنث / توضع: مضارع مجهول، أنابیب: نائب فاعل. ترجمه: چاهی حفر می‌شود و لوله‌هایی در آن گذاشته می‌شود و نفت با آن بالا می‌رود!

در سایر گزینه‌ها فعل مجهولی وجود ندارد.

(قواعد فعل)

## ۱۷۰- گزینه «۲»

(سیره مفیا مؤمنی)

«أرسلت»: فرستاده شدم» در این گزینه فعل مجهول است.

ترجمه عبارت: همانا من برای آموزش دادن و تکمیل ویژگی‌های پسندیده اخلاقی فرستاده شدم!

(قواعد فعل)

## ۱۷۱- گزینه «۳»

(ملیحه گریبی)

میرزا حسن رشدیه یکی از شخصیت‌های فرهنگی عصر قاجار بود که برای تأسیس مدرسه‌های جدید به ویژه در دوره تحصیلی ابتدایی در شهرهای مختلف ایران بسیار تلاش کرد و در این راه رنج‌ها و سختی‌های فراوانی کشید. هدف رشدیه از برپایی مراکز آموزشی جدید، فراهم آوردن شرایط برای سوادآموزی به فرزندان تمام قشرهای مختلف جامعه بود.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۴)

## ۱۷۲- گزینه «۳»

(میلاد هوشیار)

در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، سنت نگارگری ایرانی تحت تأثیر هنر نقاشی مدرن اروپایی قرار گرفت و سبک نوینی در نقاشی به وجود آمد.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۶)

## ۱۷۳- گزینه «۱»

(ملیحه گریبی)

در عصر قاجار، اروپاییانی که در تهران بودند در مراسم سال نو محفلی می‌آراستند و در آن، با پوشیدن لباس‌های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن بالماسکه برپا می‌کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ ش. مسیو نوژ بلژیکی (کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران) با لباس روحانیان و در حالی که قلبان به دست داشت، عکس گرفت. این عکس در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد. رهبری این حرکت را آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی برعهده داشت. در واقع این اولین جرعه نهضت مشروطه بود.

(تاریخ (۳)، نهضت مشروطه ایران، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

## ۱۷۴- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

براساس قرارداد ۱۹۰۷، روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند.

(تاریخ (۳)، نهضت مشروطه ایران، صفحه ۷۱)

## ۱۷۵- گزینه «۴»

(میلاد هوشیار)

مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم که به مهاجرت صغری مشهور است، اولین مرحله اتحاد نیروهای ضد استبداد در عصر قاجار بود.

(تاریخ (۳)، نهضت مشروطه ایران، صفحه ۶۷)

## ۱۷۶- گزینه «۴»

(کنکور سراسری ۹۹)

مهاجرانی که از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند، عمدتاً کارگر ساده و فاقد مهارت و تخصص‌اند. از سوی دیگر، فرصت‌های شغلی در شهر محدود است؛ به همین سبب، این مهاجران وارد بخش غیررسمی اقتصاد می‌شوند.

(جغرافیا (۳)، پدافضای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۳)

(سید علیرضا علویان)

## ۱۸۴- گزینه ۳»

عمده ترین منابع درآمد حکومت در ایران باستان شامل انواع مالیات‌ها بود: مالیات کشاورزی و دام، مالیات پیشه‌وران و مالیات سرانه، عوارض گمرکی، حمل و نقل و راهداری و حق بهره‌برداری از معادن و جنگل‌ها بود.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۲۶)

(علی‌مهر کریمی)

## ۱۸۵- گزینه ۲»

مهم‌ترین جاده‌ای که در دوره هخامنشیان ساخته شد جاده شاهی بود که به فرمان داریوش بزرگ احداث شد. این جاده به طول بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر، شوش یکی از پایتخت‌های هخامنشی را به شهر سارد در آسیای صغیر متصل می‌کرد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۲۰)

(فاطمه سقایی)

## ۱۸۶- گزینه ۴»

$100 \times \frac{\text{میزان مرگومیر-میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد طبیعی جمعیت}$

طبق فرمول، رشد طبیعی جمعیت این کشور، ۸/۱۰ درصد است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۵)

(فاطمه سقایی)

## ۱۸۷- گزینه ۲»

جمعیت کره زمین از لحاظ نسبت جنسیتی، جز در زمان‌های خاص، تفاوت چندانی ندارد.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

(فاطمه سقایی)

## ۱۸۸- گزینه ۲»

اطلاع از میزان رشد جمعیت، پایه محاسبه فرمول دوبرابردن جمعیت است. زمان به دست آمده سبب می‌شود تا برای آینده، پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۶)

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

## ۱۸۹- گزینه ۲»

در استان خراسان جنوبی، هر شهرستان، از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل شده است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «بخش‌ها تابع شهرستان هستند و هر کدام توسط بخشدار اداره می‌شود.

گزینه ۳: «دهستان از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود.

گزینه ۴: «هر یک از شهرستان‌ها توسط یک فرماندار اداره می‌شود.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

(علیرضا رضایی)

## ۱۹۰- گزینه ۳»

از لحاظ نظام اداری بخش تابع شهرستان است.

(جغرافیای ایران، جغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

(فاطمه سقایی)

## ۱۷۷- گزینه ۲»

بین نواحی شهری و روستایی علاوه بر نابرابری‌های اقتصادی، نابرابری‌های رفاهی نیز وجود دارد. وضعیت دسترسی فقیران روستایی به آموزش، بهداشت و درمان و مسکن بدتر از فقیران شهری است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۱)

(فاطمه سقایی)

## ۱۷۸- گزینه ۲»

توزیع متوازن جمعیت: از تمرکز و انبوهی جمعیت در یک یا چند مادرشهر و مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ پیشگیری می‌شود.

توجه به عدالت در توسعه: بین مناطق کشور از نظر دسترسی به منابع و امکانات تعادل برقرار می‌شود. در این برنامه به منظور تحقق عدالت اجتماعی، از توسعه نامساوی و تمرکز ثروت در برخی مناطق و فقر و محرومیت در مناطق دیگر جلوگیری می‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۶)

(علیرضا رضایی)

## ۱۷۹- گزینه ۲»

در سامانه اطلاعات جغرافیایی، داده‌های مربوط به پدیده‌های دنیای واقعی را می‌توان بر اساس اهداف مطالعه و نوع ویژگی‌های موردنظر در قالب لایه‌هایی جداگانه طبقه‌بندی و ترکیب کرد.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های جغرافیایی، صفحه ۳۹)

(فاطمه سقایی)

## ۱۸۰- گزینه ۴»

سامانه اطلاعات جغرافیایی، در واقع سامانه‌ای رایانه‌ای برای مدیریت و تجزیه و تحلیل اطلاعات مکانی و جغرافیایی است.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های جغرافیایی، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

**تاریخ و جغرافیا (۱)**

(پوار میربلوکی)

## ۱۸۱- گزینه ۳»

پس از آنکه اقوام آریایی حکومت تشکیل دادند، تمرکز قدرت و ثروت نزد عده‌ای خاص، موجب ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی به معنای واقعی آن شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۹)

(سید علیرضا علویان)

## ۱۸۲- گزینه ۴»

نظام طبقاتی عصر ساسانی بر اصالت نسب و خون استوار بود. با توسعه تشکیلات اداری و دیوانی در دوره ساسانی، گروه جدیدی به نام دبیران پدید آمد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۱۱)

(میلاد هوشیار)

## ۱۸۳- گزینه ۳»

در دوران فرمانروایی ساسانیان، همگام با توسعه شهرنشینی، صنعت نیز رشد کرد و کیفیت کالاهای تولیدی بهتر شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۲۴)

## تاریخ و جغرافیا (۲)

## ۱۹۱- گزینه ۱»

(میلار باغ‌شینی)  
هولاکوخان به منظور نظم بخشیدن به قلمرو متصرفی مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا، به ایران لشکرکشی کرد. هولاکو، نخست قدرت اسماعیلیان را با گشودن قلعه‌های مستحکم آنان از بین برد.  
(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۵)

## ۱۹۲- گزینه ۲»

(علی‌محمد کریمی)  
مغول‌ها پیش از آنکه مسلمان شوند، بر پایه مجموعه قوانینی موسوم به یاسا عمل می‌کردند و دعوی حقوقی آن‌ها در دادگاهی موسوم به یرغو و زیر نظر یرغوچی حل و فصل می‌شد.  
(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۲۱)

## ۱۹۳- گزینه ۱»

(ملیحه کریمی)  
نامورترین نقاشان عصر تیموری، کمال‌الدین بهزاد بود که آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به‌شمار می‌آید.  
(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۲۹)

## ۱۹۴- گزینه ۲»

(پوار میربلوکی)  
اگرچه سلطان سلیم فعالیت مریدان طریقت صفوی را در قلمرو عثمانی بهانه لشکرکشی گسترده‌ای قرار داد، اما علت واقعی آن، نگرانی و ترسی بود که او از ایجاد حکومت قدرتمند صفوی در دل داشت.  
(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۳۷)

## ۱۹۵- گزینه ۱»

(کنکور سراسری ۹۹)  
در دوره صفوی در زمان شاه صفی، قندهار توسط گورکانیان هند از ایران جدا شد.  
شاه عباس دوم، پسر و جانشین شاه صفی، قندهار را پس گرفت.  
(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۴۲)

## ۱۹۶- گزینه ۲»

(کنکور خارج از کشور ۱۴۰۱)  
در اقتصاد جهانی کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به‌طور عمده مبتنی بر تولید و صدور مواد اولیه و خام و منابع انرژی و معدنی است؛ در برابر نوسانات قیمت در بازارهای جهانی آسیب‌پذیری زیادی دارد و کاهش قیمت خرید محصولات آن‌ها می‌تواند شوک‌های عظیمی به اقتصادشان وارد کند. در این نوع اقتصاد، حمایت از بخش‌های تولیدی داخلی ضعیف است و واردات گسترش زیادی دارد.

(جغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه ۱۰۳)

## ۱۹۷- گزینه ۱»

(فاطمه سقایی)  
از میان عوامل توسعه انسانی، عامل درآمد و رفاه، جنبه اقتصادی دارد؛ به‌طوری که مردم برخی از کشورها درآمد و سطح زندگی و رفاه خوبی دارند؛ در حالی که در برخی کشورهای دیگر، بخش بزرگی از مردم با فقر و کمبود امکانات زندگی مواجه‌اند. نابرابری اقتصادی در فضای جغرافیایی جلوه‌گر می‌شود و در نتیجه آن، ناحیه‌هایی پدید می‌آیند که از نظر امکانات و تسهیلات و چشم‌اندازهای جغرافیایی با یکدیگر تفاوت دارند.

(جغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۶)

## ۱۹۸- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)  
کشورهای مرکز یا کانون‌های سلطه اقتصادی، به‌طور سرمایه‌ی یعنی سرمایه‌گذاری در دیگر نواحی جهان می‌پردازند. این کشورها مانند یک قطب آهن‌ربا عمل می‌کنند و بخش عمده‌ای از سود و ثروت جهان را دریافت و جذب می‌کنند.

(جغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

## ۱۹۹- گزینه ۴»

(علیرضا رضایی)  
ناحیه سیاسی فراملی (منطقه‌ای): عبارت است از چند کشور که تحت اداره یک نظام مدیریت منطقه‌ای قرار گرفته‌اند؛ مانند اتحادیه اروپا.  
ناحیه سیاسی ویژه: ناحیه‌ای است که نظام مدیریت مخصوص به خود دارد؛ مانند نواحی خودمختار و مناطق آزاد تجاری.

(جغرافیا (۲)، نوای سیاسی، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

## ۲۰۰- گزینه ۳»

(علیرضا رضایی)  
نخجوان: خودمختار  
بندر هنگ‌کنگ: خودمختار  
جزیره قشم: آزاد تجاری

(جغرافیا (۲)، نوای سیاسی، صفحه ۱۱۹)

## فلسفه دوازدهم

## ۲۰۱- گزینه ۴»

(مسین آفونری راهنمایی)  
شعر مربوطه غایتمندی را می‌رساند و مخالف اتفاق در معنای سوم (نفی غایتمندی) است.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از پیمان، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

## ۲۰۲- گزینه ۴»

(سبا پعفرزاده صابری)  
قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان‌پذیر نیست.  
علت رد گزینه ۲: دقت کنید که هدف و غایت جهان هدفی از پیش تعیین شده است که نیاز به پذیرش خداوند دارد. نه هدفی که از ذات این عالم نشأت می‌گیرد.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از پیمان، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

## ۲۰۳- گزینه ۳»

(نیمه پواهری)  
قاتل بودن به معنای سوم اتفاق معمولاً نفی علت نخستین و آفریننده را به دنبال دارد. اگر کسی علت نخستین و آفریننده را انکار کند معمولاً معنای سوم اتفاق را قبول می‌کند، نه انکار. با پذیرفتن وجود علت نخستین و آفریننده است که معنای سوم اتفاق انکار می‌شود.

دسته‌ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود و به غایت خود نزدیک‌تر می‌گردد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: اتفاق به معنای اول ناظر بر انکار اصل ضرورت علی معلولی است. گاهی اوقات افراد هنگامی که از تمامی اجزای علت (تمامی علت‌های ناقصه) آگاه نیستند گمان می‌کنند که معلول از علت تخلف کرده و با وجود علت، معلول به وجود نیامده و اصل ضرورت نفی شده است.

گزینه «۲»: معنای دوم اتفاق ناظر بر انکار اصل سنخیت است. بدون قائل بودن به اصل سنخیت و انکار معنای دوم اتفاق، نمی‌توان برای جهان نظم و انتظام خاصی قائل شد و دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها تشویق کرد.

گزینه «۴»: معنای چهارم اتفاق کاربرد آن در میان مردم به معنای وقوع حادثه پیش‌بینی نشده است که لزوماً با علیت و فروغ آن مخالف نیست و می‌تواند کاربرد درستی داشته باشد.

(فلسفه دوازدهم، کرام تصویر از بهان، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

**۲۰۴- گزینه «۴»**

(نیمه پواهری)

برهان‌های ارسطو برای اثبات خدا و مبدأ نخستین جهان مبتنی بر بهتر بودن برخی موجودات در مقایسه با دیگران در میان موجودات و نیز وجود حرکت در جهان هستی است.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

**۲۰۵- گزینه «۲»**

(هسین آفونری راهنمایی)

نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است فقط با تفکر و تعقل می‌توان به او دست یافت و از او بهره‌مند شد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

**۲۰۶- گزینه «۳»**

(سبا پعفرزازه صابری)

دلیل اینکه انسان اختیار دارد این است که نفس او غیرمادی و مجرد است که بتواند چنین ویژگی را داشته باشد همچنین نتیجه اختیار داشتن انسان نیز رعایت اخلاق و مسئولیت‌پذیری است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: کانت از وجود اخلاق نفس جاودانه را اثبات می‌کند (نه برعکس!)

گزینه «۲»: کانت از ضرورت وجود جهانی ماورایی به ضرورت وجود خدا می‌رسد.

گزینه «۴»: شمول حکم اخلاقی همیشگی است، نه صرفاً در برخی مواقع!

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه ۳۶)

**۲۰۷- گزینه «۲»**

(نیمه پواهری)

نظر خاص دیوید هیوم در نقدی است که به برهان نظم وارد می‌کند. از نظر او این برهان فقط می‌تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می‌کند. اما ثابت نمی‌کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: هیوم می‌گوید مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است و فیلسوفان تجربه‌گرایی که به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم را معتبر می‌دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می‌کردند.

گزینه «۳»: جز سایر تجربه‌گرایان که برهان نظم را در اثبات وجود خدا استفاده می‌کردند و آن را معتبر می‌دانستند، هیوم نیز دست کم این برهان را برای اثبات یک خالق ناظم درست می‌دانست.

گزینه «۴»: این برهان مبتنی بر تجربه است و هیوم و سایر فیلسوفان تجربه‌گرا متوجه این امر بودند و به همین دلیل به آن توجه خاصی داشتند.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

**۲۰۸- گزینه «۱»**

(نیمه پواهری)

افلاطون در رساله تیمائوس می‌گوید: «برای ما معیار هر چیزی خداست. نه آن‌طور که برخی می‌گویند، این یا آن فرد؛ بنابراین هر که بخواهد محبوب خدا شود، باید با همه نیرو بکوشد تا در حد امکان شبیه او شود. بنابراین از میان ما تنها کسی محبوب خداست که خویشتن‌دار (عقیف) باشد و از دایره اعتدال با بیرون نگذارد؛ زیرا چنین کسی شبیه خداست.»

کانت، فیلسوف بزرگ قرن هجدهم آلمان، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل‌گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود. او به جای اثبات وجود خدا از طریق نظم یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۲ و ۳۶)

**۲۰۹- گزینه «۴»**

(کتاب آبی)

زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش‌های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می‌کند و آرامشی برتر به او می‌دهد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه ۳۸)

**۲۱۰- گزینه «۴»**

(سبا پعفرزازه صابری)

کاتینگهام در کتاب خود به این مسئله اشاره می‌کند که پس از سیر نزولی استدلال‌های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: ویلیام جیمز می‌گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.

گزینه «۲»: کرکگور معتقد است که ایمان، هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان می‌بخشد و نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد.

گزینه «۳»: کاتینگهام، از نویسندگان این حوزه، می‌گوید: قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ارزش و بااهمیت می‌سازد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

## منطق

## ۲۱۱- گزینه «۱»

(مسین آفونری راهنمایی)

برای پیدا کردن شکل قیاس اول دنبال مقدمه اول می‌گردیم ← هر مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن قرار داشت آن مقدمه اول است.

«الف» موضوع نتیجه است که در مقدمه «بعضی الف ب است» قرار دارد پس این مقدمه، مقدمه اول است.

حد وسط در مقدمه اول در جایگاه محمول و در مقدمه دوم در جایگاه موضوع قرار دارد پس قیاس شکل اول است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۳)

## ۲۱۲- گزینه «۳»

(سبا یعفرزاده صابری)

از آنجایی که قیاس شکل چهارم می‌باشد پس حد وسط در مقدمه اول در جایگاه موضوع و در مقدمه دوم در جایگاه محمول است. (ب حد وسط است) پس باید در مقدمه دوم «ب» محمول باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

از طرفی دیگر قیاس معتبر است؛ پس چون علامت «ج» در نتیجه مثبت است باید در مقدمه اول نیز مثبت باشد، پس سور آن کلی است. (رد گزینه ۲)

## نکات مهم درسی:

برای پاسخ‌گویی سریع‌تر به این نوع سؤالات ابتدا داده‌ها و معلومات سؤال (نتیجه و یکی از مقدمات) را بنویسید و با توجه به شرایط اعتبار و قانون نتیجه‌گیری قیاس مجهولات را به دست آورید.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

## ۲۱۳- گزینه «۲»

(مسین صبری)

در گزینه «۲» مغالطه عدم تکرار حد وسط به صورت معنایی آمده است، اما در گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» حد وسط به صورت لفظی تکرار نشده است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

## ۲۱۴- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

«فلسفه واژه‌های عربی است»: قضیه شخصیه است. موضوع علامت + و چون موجه است محمول علامت - دارد.

«دانش‌آموزان مدرسه معرفت اراک ۲۰۰ نفر هستند»: شخصیه است؛ چون محمول بر کل موضوع حمل می‌شود. موضوع علامت + و محمول - دارد.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

## ۲۱۵- گزینه «۱»

(مسین صبری)

## بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱» برخی دانش‌آموزان (-) در کلاس حاضر (+) نشدند (تنها در گزینه «۱» موضوع دارای علامت منفی است).

گزینه «۲»: فردوسی (+) شاعر قرن ششم (+) نیست.

گزینه «۳»: هیچ گیاهی (+) متحرک (+) نیست.

گزینه «۴»: هیچ مسلمانی (+) مسیحی (+) نیست.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

## ۲۱۶- گزینه «۳»

(نیما یواهری)

در یک قیاس شکل سوم با مقدمه اول «سالبه کلی» و مقدمه دوم «موجبه کلی»، نتیجه «سالبه کلی» به دست می‌آید که یعنی موضوع و محمول آن علامت مثبت دارند ولی محمول نتیجه در مقدمه دوم علامت منفی دارد، پس شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نمی‌شود.

سایر گزینه‌ها قیاس‌هایی هستند که هر سه شرط اعتبار قیاس را دارا هستند.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

## ۲۱۷- گزینه «۳»

(مسین صبری)

در گزینه «۳»، موضوع نتیجه (الف) دارای علامت مثبت است، اما در مقدمه اول دارای علامت منفی است. بنابراین شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است و قیاس نامعتبر است؛ زیرا اگر علامت موضوع یا محمول در نتیجه مثبت باشد، باید در مقدمات نیز علامت آن مثبت باشد.

در گزینه‌های دیگر همه شرایط اعتبار قیاس رعایت شده است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۰)

## ۲۱۸- گزینه «۳»

(سبا یعفرزاده صابری)

هر سه شرط اعتبار قیاس را دارد. در شکل دوم حد وسط در هر دو مقدمه در جایگاه محمول قرار دارد.

## نکات مهم درسی:

در پاسخ‌گویی به این نوع سؤالات به شرایط اعتبار قیاس و جایگاه حد وسط دقت شود.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر هر دو مقدمه قیاس موجبه جزئی باشد حد وسط در تمامی اشکال قیاس در هر دو مقدمه منفی خواهد بود و قیاس نامعتبر است.

گزینه «۲»: فاقد شرط سوم اعتبار قیاس می‌باشد. موضوع نتیجه مثبت است در حالی که در مقدمه اول به دلیل موجه بودن منفی می‌باشد.

گزینه «۴»: حد وسط در هر دو مقدمه در صورت جزئی بودن مقدمات علامت منفی دارد. (در شکل سوم حد وسط در هر دو مقدمه جایگاه موضوع را دارد).

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۲ و ۷۴ تا ۷۷)

## ۲۱۹- گزینه «۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

اول باید قضیه کاذب را صادق کنیم ← متناقض می‌کنیم ← هر الف ب است.

نتیجه نمی‌تواند سالبه باشد چون مقدمات سالبه نیستند.

از بین گزینه‌های «۱» و «۳» می‌بینیم که در گزینه «۱» الف که حد وسط است در نتیجه آمده است ← پس گزینه «۱» نمی‌تواند جواب باشد.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۹)

## ۲۲۰- گزینه «۴»

(نیما یواهری)

## بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شکل چهارم معتبر هیچ‌گاه مقدمه سالبه جزئی ندارد. زیرا در آن صورت نتیجه هم تابع اخسّ مقدمتین باید سالبه جزئی می‌شد و مقدمه دیگر هم نباید سالبه یا جزئی می‌بود و باید موجبه کلی می‌شد. حال مقدمه سالبه جزئی ما اگر مقدمه اول بود شرط دوم اعتبار قیاس رعایت نمی‌شد و حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی می‌داشت و اگر هم مقدمه دوم قیاس بود، شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نمی‌شد و محمول نتیجه که علامت مثبت داشت در این مقدمه دوم علامت منفی می‌داشت.



(نیمه پوهاری)

**۲۲۳- گزینه ۲»**

دکارت روح و نفس و ذهن را به یک معنا به کار می‌برد و از نظر او عبارت است از خود آگاه انسان که مرکز اندیشه‌های اوست. این همان بُعد آدمی است که می‌شناسد، شک می‌کند، تخیل می‌ورزد و ... پس نفس از نظر دکارت قوه اندیشه آدمی است. افکار و اندیشه‌ها حاصل کار نفس هستند که مانند بدن در قید محدودیت و امتداد و تنگناهای مادی و فیزیکی نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: بُعد محدود و دارای امتداد آدمی جسم اوست، نه نفس که از قوانین و محدودیت‌های مادی فارغ است.

گزینه «۳»: نفس در انجام افعالش و کنش‌ورزی واقعی گاهی به جسم نیاز دارد. از نظر دکارت نفس و بدن با هم در تعامل هستند و در یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

گزینه «۴»: ارتباط نفس با جسم یک‌سویه نیست و جسم هم می‌تواند در نفس تأثیر بگذارد، برای مثال فعل و انفعالات جسمانی ممکن است موجب تحولات و حالاتی در نفس شوند. ایراد دیگر این گزینه این است که افکار و اندیشه‌ها حاصل نفس هستند نه جسم.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۳)

(حسن صدری)

**۲۲۴- گزینه ۴»****بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: تنها مورد تأیید دکارت است.

گزینه «۲»: تنها مورد تأیید ماتریالیست‌ها است.

گزینه «۳»: تنها مورد تأیید ماتریالیست‌ها است.

گزینه «۴»: هر دو به این نظر درباره بدن قائلند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۵)

(کتاب آبی)

**۲۲۵- گزینه ۳»**

فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه‌های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۷۸)

(سبا پعفرزاده صابری)

**۲۲۶- گزینه ۴»**

ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند. پس روح به بدن انسان ضمیمه می‌شود نه اینکه اولین جنبه وجود انسان باشد.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: اعطای روح به بدن پیش از کامل شدن بدن نیست، بلکه پس از آن می‌باشد.

گزینه «۲»: از نظر ارسطو نیز نفس انسان در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و استعداد کسب علم را داراست.

گزینه «۳»: گرچه روح در دیدگاه ابن سینا پس از تکامل جسم اعطا می‌شود اما این به معنای رابطه علی بین جسم و نفس نیست.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۷۹)

(نیمه پوهاری)

**۲۲۷- گزینه ۱»**

علاوه بر نورالانوار تمامی امور غیرمادی نظیر نفس انسان نیز نور هستند و در ذات آن‌ها ظلمت نیست. ظلمت مربوط به حیطه‌هایی است که در آن با ماده و جسم روبه‌رو هستیم.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۰)

گزینه «۲»: شکل چهارم می‌تواند دو مقدمه موجهه داشته باشد و تنها حالت معتبر آن این است که مقدمه اول موجهه کلی و مقدمه دوم موجهه جزئی باشد. اگر دو مقدمه قیاس موجهه کلی باشند شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نمی‌شود، زیرا علامت موضوع نتیجه مثبت می‌شد ولی در مقدمه اول علامت آن منفی می‌بود.

گزینه «۳»: اتفاقاً اگر دو مقدمه موجهه داشته باشیم موجهه کلی حتماً باید در مقدمه اول باشد. زیرا اگر مقدمه اول یک قیاس شکل چهارم موجهه جزئی و مقدمه دوم آن موجهه کلی باشد، علامت حد وسط در هر دو مقدمه منفی می‌شود و شرط دوم اعتبار قیاس رعایت نمی‌شود.

گزینه «۴»: اگر بخواهیم این گزینه را به زبانی واضح‌تر و قابل‌بررسی‌تر بیان کنیم می‌شود اینکه «این قیاس نتیجه سالبه جزئی نخواهد داشت». از آنجایی که دریافتیم شکل چهارم معتبر مقدمه سالبه جزئی ندارد، پس می‌فهمیم در حالت‌های معتبر آن مقدمات سالبه کلی، موجهه کلی یا موجهه جزئی هستند. می‌دانیم که یکی از مقدمات موجهه کلی است و مقدمه دیگر نیز بنابراین یا سالبه کلی یا موجهه جزئی است. بنابراین طبق قاعده احسن مقدمتین نتیجه ما قطعاً سالبه جزئی نخواهد بود.

**نتیجه:** اینکه نتیجه قیاس تابع قاعده احسن مقدمتین است؛ یعنی اگر در مقدمات قیاس قضیه سالبه باشد نتیجه هم سالبه خواهد بود و اگر در مقدمات قضیه جزئی باشد نتیجه هم جزئی خواهد بود.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳ تا ۷۷)

**فلسفه یازدهم**

(سبا پعفرزاده صابری)

**۲۲۱- گزینه ۳»**

مقصود از ناطق بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می‌گیرد و استدلال را سامان می‌دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می‌کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

(سبا پعفرزاده صابری)

**۲۲۲- گزینه ۴»**

بنا بر نظر دکارت بدن تابع قوانین فیزیکی بوده و همچون ماشینی پیچیده است که حقیقت من را تشکیل نمی‌دهد. همچنین مطابق با دیدگاه کانت اراده و اختیار آزاد ویژگی بدن نیست و نفس می‌تواند چنین ویژگی داشته باشد پس اراده و اختیار وابسته به وجود نفس است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: بخش دوم برعکس بیان شده است. انجام احکام اخلاقی منوط به اراده و اختیار است.

گزینه «۲»: بخش اول درست می‌باشد، اما در بخش دوم دیدگاه کانت برعکس گفته شده است وجود اراده و اختیار مشروط بر وجود نفس است نه برعکس.

گزینه «۳»: منظور دکارت از مجزا بودن روح و نفس متمایز بودن ویژگی‌های این دو می‌باشد، نه عدم همراهی آن‌ها با یکدیگر.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۳)

(علیرضا نصیری)

## ۲۳۲- گزینه «۳»

در قیاس اقترانی، حد وسط حذف می‌شود و در نتیجه حضور ندارد؛ در غیر این صورت حد وسط نیست. بنابراین زمانی که صورت سؤال بیان می‌کند که محمول مقدمه اول در نتیجه وجود دارد به این معنی است که حد وسط در مقدمه اول محمول واقع نشده و موضوع است. از آنجایی که صورت سؤال می‌گوید که موضوع مقدمه دوم در نتیجه حضور ندارد در نتیجه حد وسط در مقدمه دوم موضوع واقع شده است. بنابراین به این خاطر که حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است، این قیاس یک قیاس شکل سوم خواهد بود.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۳)

(کتاب زبی)

## ۲۳۳- گزینه «۴»

فقط در گزینه «۴» مغالطه عدم تکرار حد وسط، ناشی از اشتراک لفظ (شیر) است.

در گزینه‌های «۱» و «۲» حد وسط به صورت لفظی عیناً تکرار نشده است نه معنوی.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

(علیرضا نصیری)

## ۲۳۴- گزینه «۴»

## بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: استفاده از مشترکات لفظی ممکن است باعث ایجاد عدم تکرار معنایی حد وسط بشود. به عنوان مثال:

مقدمه (۱) بهرام سیر است // مقدمه (۲) سیر بدبو است // نتیجه) بهرام بدبو است

در اینجا سیر مشترک لفظی است و یکبار به معنی «متضاد گرسنه» و یکبار به معنی «نوعی پیازچه» به کار رفته و باعث پدید آمدن مغالطه عدم تکرار حد وسط شده است.

گزینه «۲»: خطا در نگارش کلمات نیز ممکن است منجر به مغالطه عدم تکرار معنایی حد وسط بشود. به عنوان مثال:

مقدمه (۱) این بوته، خار است // مقدمه (۲) هیچ خاری، سرافراز نیست // نتیجه) این بوته سرافراز نیست!

در اینجا منظور از خار در مقدمه اول، تیغ است و منظور از خار در مقدمه دوم، دلیل و پست که البته املائی صحیح آن «خوار» است و به خاطر نگارش غلط منجر به عدم تکرار حد وسط شده است.

گزینه «۳»: این مورد نیز می‌تواند منجر به مغالطه شود. به عنوان مثال:

مقدمه (۱) علی شیر است // مقدمه (۲) شیر یال و دم دارد // نتیجه) علی یال و دم دارد!

در اینجا چون لفظ «شیر» ابتدا دلالت التزامی دارد و مراد از آن، شجاع می‌باشد و در عین حال «شیر» دوم در معنای مطابقی به کار رفته، باعث ایجاد مغالطه عدم تکرار معنایی حد وسط شده است.

گزینه «۴»: برای ایجاد ابهام در مرجع ضمیر باید حتماً یک ضمیر در عبارت موجود باشد. در مقدمات یک قیاس اقترانی، اگر یک ضمیر در یک مقدمه بود و در مقدمه دیگر نبود که عدم تکرار حد وسط به صورت لفظی رخ داده و اگر عیناً تکرار شد، در آن صورت اصلاً مغالطه‌ای رخ نمی‌دهد. بنابراین این مورد نمی‌تواند باعث ایجاد مغالطه عدم تکرار معنایی حد وسط بشود.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

(نیما بواهری)

## ۲۲۸- گزینه «۳»

از نظر ملاصدرا و حکمت متعالیه مراحل تکاملی طبیعت وقتی از گیاه و حیوان می‌گذرد و به انسان می‌رسد ظرفیتی بی‌نهایت پیدا می‌کند و به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود.

علت رد گزینه «۴»: روح به بدن اعطا نشده است. بلکه نتیجه رشد و کمال خود جسم و بدن می‌باشد.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۱)

(نیما بواهری)

## ۲۲۹- گزینه «۴»

روح براساس این مکتب، چیزی ضمیمه‌شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۱)

(نیما بواهری)

## ۲۳۰- گزینه «۴»

منظور از اینکه می‌گوییم در فلسفه ملاصدرا روح و بدن وحدت حقیقی دارند این نیست که روح و بدن یک چیز هستند. ملاصدرا قائل به ثنویت و دوبعدی بودن انسان است. روح روح است و بدن بدن است. منظور از وحدت حقیقی این است که روح یک امر جدا نیست که از آسمان فروافتاده باشد؛ بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است و به بیان فلسفی حدوث جسمانی دارد. جسم رشد می‌کند و با صعود از مراتب وجود دچار تروح (روحانی شدن) می‌شود و تبدیل به روح می‌شود.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این گزینه بیانگر تأثیر متقابل روح و بدن بر یکدیگر است و لزوماً به وحدت آن‌ها اشاره ندارد.

گزینه «۲»: این گزینه نادرست است؛ زیرا وحدت حقیقی روح و بدن در بیان ملاصدرا به معنای این نیست که روح و بدن یک چیز هستند.

گزینه «۳»: این گزینه بیانگر ظرفیت نامتناهی روح انسان است و لزوماً به وحدت آن با بدن اشاره ندارد.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۱)

## منطق

(کیمیا طوماسی)

## ۲۳۱- گزینه «۳»

در گزینه «۳» مقدمات استدلال اول یک قیاس سوم را تشکیل می‌دهند؛ زیرا حد وسط (برنامه) در هر دو قضیه در جایگاه موضوع قرار دارد، اما مقدمات استدلال دوم یک قیاس شکل چهارم را تشکیل می‌دهند؛ زیرا حد وسط (استدلال) در قضیه اول در جایگاه موضوع و در مقدمه دوم در جایگاه محمول قرار دارد.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر دو قیاس شکل سوم هستند.

گزینه «۲»: هر دو قیاس شکل اول هستند.

گزینه «۴»: هر دو قیاس شکل چهارم هستند.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۳)

**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: از آنجایی که یکی از مقدمات سالبه است، نتیجه نیز سالبه خواهد بود و بنابراین محمول نتیجه دارای علامت مثبت خواهد بود. شرط سوم یک قیاس معتبر بیان می‌دارد که اگر علامت چیزی در نتیجه مثبت باشد، باید در مقدمات نیز مثبت باشد و از آنجایی که علامت «ج» در مقدمه دوم منفی است شرط سوم قیاس معتبر در آن رعایت نشده و نامعتبر خواهد بود.

گزینه «۲»: در این گزینه نیز شرط سوم یک قیاس معتبر رعایت نشده است. نتیجه سالبه است و محمول آن علامت مثبت دارد ولی علامت «ج» که محمول نتیجه است، در مقدمه دوم منفی است.

گزینه «۳»: در این گزینه نیز مانند گزینه‌های قبلی شرط سوم قیاس معتبر رعایت نشده است. نتیجه سالبه و محمول آن مثبت است، ولی «ج» در مقدمه دوم علامت منفی دارد.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷ تا ۸۰)

**۲۳۹- گزینه «۴»**

(کیمیا طهماسبی)

محمول نتیجه (سختگیر) دارای علامت مثبت است، اما در مقدمه دوم دارای علامت منفی است. پس قیاس نامعتبر است (نبود شرط سوم). سایر قیاس‌ها تمامی شرایط اعتبار را دارند. نکته: «تمامی» در گزینه «۳» به معنای سور کلی «هر» است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۷)

**۲۴۰- گزینه «۲»**

(علیرضا نمیری)

در قیاس شکل چهارم، حد وسط موضوع مقدمه اول و محمول مقدمه دوم است. اگر مقدمه اول جزئی‌تر باشد علامت موضوع آن منفی خواهد بود و اگر مقدمه دوم موجه باشد محمول آن منفی خواهد بود. بنابراین در این گزینه حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و بنابراین شرط دوم را نقض خواهد کرد.

شرط دوم قیاس معتبر این است که حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی نباشد. بنابراین باید به دنبال گزینه‌ای بگردیم که این شرط را نقض کند.

**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در شکل اول، حد وسط در مقدمه اول در جایگاه محمول و در مقدمه دوم در جایگاه موضوع قرار دارد.

بنابراین اگر محمول مقدمه‌های اول و دوم منفی باشد همچنان ممکن است که موضوع مقدمه علامت مثبت داشته باشد و شرط دوم برقرار باشد.

گزینه «۳»: در قیاس شکل دوم، حد وسط در هر دو مقدمه محمول است. در این گزینه اطلاعاتی نسبت به محمول مقدمه اول داده نشده و نمی‌شود. با قطعیت می‌توان گفت که مثبت است یا منفی. پس نمی‌توان با قطعیت گفت که شرط دوم را نقض می‌کند.

گزینه «۴»: در شکل سوم قیاس، حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است. در این جا اطلاعاتی درباره موضوع مقدمه اول وجود ندارد و هم می‌تواند مثبت باشد و هم منفی. بنابراین نمی‌توان با قطعیت گفت که شرط دوم قیاس معتبر را نقض کرده است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۳، ۷۶ و ۷۷)

**۲۳۵- گزینه «۴»**

(کیمیا طهماسبی)

همه گزینه‌ها قضایایی شخصی هستند که در آن، همه مصادیق موضوع، مورد نظرند (علامت موضوع مثبت است). بنابراین هیچ قضیه‌ای به لحاظ دامنه مصادیق موضوع با دیگر قضایا متفاوت نیست. اما محمول قضایای شخصی در بحث دامنه مصادیق، از قانون محمول قضایای محصوره تبعیت می‌کند. یعنی در قضایای موجهه، برخی مصادیق (علامت منفی می‌شود) و در سالبه همه مصادیق (علامت مثبت می‌شود) محمول مدنظرند. بنابراین تنها قضیه سالبه گزینه «۴» است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

**۲۳۶- گزینه «۳»**

(علیرضا نمیری)

**بررسی قضایا:**

قضیه «۱»: قضیه موجهه کلی است. بنابراین علامت موضوع آن مثبت و علامت محمول آن منفی خواهد بود.

قضیه «۲»: سقراط یک فرد و یک مصادیق مشخص است و در نتیجه این قضیه یک قضیه شخصی و موجهه خواهد بود. موضوع قضایای شخصی همواره مثبت هستند و از آنجایی که قضیه موجهه است، محمول منفی خواهد بود.

قضیه «۳»: این قضیه سالبه کلیه می‌باشد. بنابراین هم موضوع و هم محمول آن دارای علامت مثبت خواهند بود.

قضیه «۴»: این قضیه در واقع سالبه جزئی‌تر است و در نتیجه، موضوع آن منفی و محمول آن مثبت است.

در نهایت با شمارش علامت‌ها درمی‌یابیم که در کل قضایا، ۵ علامت مثبت و ۳ علامت منفی یافت می‌شود.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

**۲۳۷- گزینه «۴»**

(کتاب زهی)

گزینه «۴» هر سه شرط اعتبار قیاس را دارد؛ زیرا مقدمه اول آن موجهه است (شرط اول)، حد وسط در مقدمه دوم دارای علامت مثبت است (شرط دوم). «تصور» که در نتیجه دارای علامت مثبت است؛ در مقدمه نیز دارای علامت مثبت می‌باشد و «استدلال» که در نتیجه دارای علامت مثبت است؛ در مقدمه نیز دارای علامت مثبت می‌باشد.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: فاقد شرط سوم است؛ زیرا «فکر» که در نتیجه دارای علامت مثبت است، در مقدمه علامت منفی دارد.

گزینه «۲»: فاقد شرط سوم است؛ زیرا «دارای قانون» که در نتیجه دارای علامت مثبت است، در مقدمه علامت منفی دارد.

گزینه «۳»: فاقد شرط سوم است؛ زیرا «پستاستاندار» که در نتیجه دارای علامت مثبت است، در مقدمه علامت منفی دارد.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

**۲۳۸- گزینه «۴»**

(کیمیا طهماسبی)

در این جا «ب» حد وسط می‌باشد و در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و بنابراین به علت نقض کردن شرط دوم قیاس معتبر، نامعتبر خواهد بود. علت عدم اعتبار این گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است و به همین خاطر جواب تست خواهد بود.

ریاضی و آمار (۳)

۲۴۱- گزینه «۲»

(علیرضا عبیدی)

با توجه به اطلاعات مربوط به دنباله هندسی داریم:

$$a_1 = 10, r = \frac{2}{3}$$

$$S_n = \frac{a_1(1-r^n)}{1-r} \Rightarrow S_4 = \frac{10(1-(\frac{2}{3})^4)}{1-\frac{2}{3}} = \frac{10(1-\frac{16}{81})}{\frac{1}{3}} = \frac{10 \times (\frac{65}{81})}{\frac{1}{3}} = \frac{650}{27}$$

$$= \frac{10 \times (\frac{65}{81})}{\frac{1}{3}} = \frac{650}{27}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۵)

۲۴۲- گزینه «۴»

(علی شورایی)

اگر  $a, b, c$  سه جمله متوالی یک دنباله هندسی باشند، آن‌گاه:

$$b^2 = ac$$

پس در این جا داریم:

$$(-x-2)^2 = (x-1)(x+8)$$

$$\Rightarrow x^2 + 4x + 4 = x^2 + 7x - 8 \Rightarrow x = 4$$

با جای گذاری  $x = 4$ ، جملات دنباله به شکل  $3, -6, 12, \dots$  می‌شوند.

مجموع ۱۰ جمله اول این دنباله برابر است با:

$$S_n = \frac{a_1(1-r^n)}{1-r} \Rightarrow S_{10} = \frac{3(1-(-2)^{10})}{1-(-2)} = \frac{3 \times (-1023)}{3} = -1023$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۵)

۲۴۳- گزینه «۱»

(عمیرضا سپهری)

با توجه به مجموع جملات دنباله هندسی داریم:

$$S_n = \frac{a_1(1-r^n)}{1-r} \Rightarrow \begin{cases} S_2 = \frac{a_1(1-r^2)}{1-r} & (1) \\ S_4 = \frac{a_1(1-r^4)}{1-r} & (2) \end{cases}$$

از تقسیم دو رابطه ۱ و ۲ بر هم داریم:

$$\frac{S_2}{S_4} = \frac{\frac{a_1(1-r^2)}{1-r}}{\frac{a_1(1-r^4)}{1-r}} = \frac{1-r^2}{(1-r^2)(1+r^2)} = \frac{1}{5}$$

$$\frac{1}{1+r^2} = \frac{1}{5} \Rightarrow 1+r^2 = 5 \Rightarrow r^2 = 4 \xrightarrow{r>0} r = 2$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۵)

۲۴۴- گزینه «۴»

(عمیرضا سپهری)

با ساده کردن عبارت داده شده، داریم:

$$A = \frac{2^3(\sqrt{2}+1) \times (\frac{1}{2})^3 \sqrt{2}+1}{\sqrt{8}} = \frac{2^3\sqrt{2}+3 \times 2-3\sqrt{2}-1}{2^2}$$

$$= \frac{2^2}{2^2} = 2^2 = \sqrt{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲۴۵- گزینه «۱»

(علی شورایی)

$$\frac{3^2}{4} = \frac{\pm\sqrt[3]{32}}{\pm\sqrt[4]{4}} = \pm\frac{2^5}{2^2} = \pm(2^3) = \pm 8$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲۴۶- گزینه «۱»

(اصغر رضا ذاکر زاده)

با توجه به رابطه  $(a^m)^n = a^{mn}$  داریم:

$$\left( a^{\frac{3}{2}} \times b^{\frac{5}{2}} \right)^6 \times \left( a^{\frac{2}{3}} \times b^{\frac{3}{2}} \right)^2 = a^9 \times b^{10} \times a^{\frac{1}{3}} \times b^{\frac{3}{2}}$$

$$= a^{9+\frac{1}{3}} \times b^{10+\frac{3}{2}} = a^{\frac{28}{3}} \times b^{\frac{23}{2}}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲۴۷- گزینه «۱»

(پوژان زنگنه قاسم‌آبادی)

ابتدا پایه دو عدد توان دار در دو طرف تساوی را یکسان می‌کنیم:

$$\left( \frac{27}{8} \right)^{x-2} = \left( \frac{4}{9} \right)^{\frac{3}{2}} \Rightarrow \left( \frac{3}{2} \right)^{3x-6} = \left( \frac{3}{2} \right)^{-3 \times \frac{3}{2}}$$

$$\Rightarrow 3x-6 = -3 \Rightarrow 3x = 3 \Rightarrow x = 1$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲۴۸- گزینه «۳»

(مهمرب میرایی)

تساوی گزینه «۳» به صورت زیر درست است.

$$\frac{3}{27 \times 8} = \left( \frac{3}{27} \right)^{\frac{3}{8}} = \frac{9}{3 \times 8} = \sqrt[3]{\frac{9}{24}}$$

سایر تساوی‌ها درست هستند.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲۴۹- گزینه «۱»

(کوروش داوری)

$$2^2(x-1) \times 3^{-1}(y-2) = \sqrt[3]{\sqrt[2]{2^2} \times \frac{3}{2}}$$

$$2^2x-2 \times 3^{-1}y+2 = \sqrt[6]{6} = 6^{\frac{1}{6}}$$

(یاسین موریان)

## ۲۵۴- گزینه «۴»

صورت سؤال به‌زبانی ساده‌تر، از شما می‌خواهد که «اسلوب معادله» را تشخیص دهید.

مصراع اول این بیت، در حکم مصداق و مثالی محسوس برای مفهوم ذهنی مصراع دوم است. (شادی = گل، غم = خار)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پیام دو مصراع، کاملاً یکسان نیست و در واقع، مصراع دوم مطلب دیگری را در ادامه موضوع مصراع اول می‌گوید و «شمع» در مصراع دوم، همان «اقبال» است، اما مفهوم دو مصراع، کاملاً مانند هم نیست.

گزینه «۲»: دو مصراع، پیام‌های جداگانه‌ای دارند و هیچ‌کدام از آن‌ها، تأییدکننده دیگری نیست.

گزینه «۳»: مصراع اول، بیانگر کهن‌سالی شاعر است و مصراع دوم، یکی از ویژگی‌های این دوران زندگی وی را بازگو می‌کند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۵)

(مجتبی فرهادی)

## ۲۵۵- گزینه «۲»

حس آمیزی: - / حسن تعلیل: دلیل خمیدگی قامت در پیری فراهم شدن نعل رخس برای سفر آخرت است.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: حس آمیزی: دیدن آهنگ / حسن تعلیل: -

گزینه «۳»: فاقد حس آمیزی / فاقد حسن تعلیل (دلیل ذکرشده واقعی است و نه خیالی و ادبی)

گزینه «۴»: حس آمیزی: شیرینی زبان / حسن تعلیل: علت دهان‌بسته‌بودن پسته این است که مانند یار نمی‌تواند سخنان شیرین بگوید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۱۱۲ تا ۱۱۴)

(سپهر غلام‌پور)

## ۲۵۶- گزینه «۳»

در شعر، وزن واژه «مفاعیلن» دیده نمی‌شود.

تقطیع شعر:

من	ب	را	ه
خُد	با	ید	
ب	ر	و	
-	U	-	-
-	-	-	-
U	U	-	-

کس	ن	تیب	ما
ر	م	را	خا
هد	داشت		
-	U	-	-
-	-	-	-
U	U	-	-

در	پ	رز	کش
م	ک	ش	زند
د	گ	ی	حا
د	ث	بار	
-	U	-	-
-	-	-	-
U	U	-	-
U	U	-	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

$$2x - 2 = \frac{1}{6} \Rightarrow 2x = \frac{1}{6} + 2 = \frac{1+12}{6} = \frac{13}{6} \Rightarrow x = \frac{13}{12}$$

$$-y + 2 = \frac{1}{6} \Rightarrow 2 - \frac{1}{6} = y \Rightarrow \frac{12-1}{6} = y \Rightarrow y = \frac{11}{6}$$

$$\frac{2x}{y} = \frac{2 \times \frac{13}{12}}{\frac{11}{6}} = \frac{13}{11}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۱۶ تا ۹۴)

(علیرضا عبیدی)

## ۲۵۰- گزینه «۳»

با ساده کردن و یکی کردن توان‌ها داریم:

$$\begin{aligned} & (\sqrt{3}+1)^2 \times (4-2\sqrt{3})^4 \\ &= (1+\sqrt{3})^2 \times (1+3-2\sqrt{3})^4 = (1+\sqrt{3})^2 ((\sqrt{3}-1)^2)^4 \\ &= (\sqrt{3}+1)^2 (\sqrt{3}-1)^2 \\ &= (3-1)^2 = 2^2 = 4 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۱۶ تا ۹۴)

## علوم و فنون ادبی (۳)

(مجتبی فرهادی)

## ۲۵۱- گزینه «۳»

در شعر سنتی این دوره تقلید از سبک عراقی و خراسانی و تمایل به آن‌ها زیاد است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

(مجتبی فرهادی)

## ۲۵۲- گزینه «۲»

متن از کتاب «مدیر مدرسه» اثر جلال آل‌احمد انتخاب شده است که ویژگی‌های نثر معاصر قبل از انقلاب اسلامی را دارد. در نثر داستانی این دوره واژگان عربی کمتر استفاده و نثر به‌شدت تحت‌تأثیر گفتار و محاوره اقشار اجتماعی ایران است که در گزینه «۲» به این ویژگی‌ها اشاره شده است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

کوتاهی جملات نیز که در گزینه‌های «۱» و «۴» به آن اشاره شده است در متن انتخاب‌شده دیده می‌شود، اما سایر ویژگی‌های اشاره‌شده در گزینه‌ها، اگر در کل کتاب نیز موجود باشند، در متن انتخاب‌شده دیده نمی‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(سیرعلیرضا علویان)

## ۲۵۳- گزینه «۲»

شاعر در این بیت با بیانی ادبی و هنرمندانه علت شکل ظاهری گل لاله (واژگون بودن آن) را به خاطر مرگ فرهاد می‌داند گویی که لاله در غم فرهاد سر در گریبان خویش فرو برده است و عزادار است آنکه این‌گونه نیست.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۱۳)

## ۲۵۷- گزینه ۱

(میتبی فرهاری)

این بیت بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» و بحر عروضی «رمل مثنی سالم» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۶)

## ۲۵۸- گزینه ۳

(بایسین موریان)

این مصراع، در وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن» سروده شده است که نام بحر آن، «مقارِب مثنی سالم» است.

## وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن»

گزینه ۲: «مستعلن مستعلن مستعلن»

گزینه ۴: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

## ۲۵۹- گزینه ۴

(سیدعلیرشا علویان)

وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است که وزن مطابق بحر رمل مثنی سالم می‌باشد.

## وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع

گزینه ۲: «فاعلاتن فاعلاتن فعولن فعولن»

گزینه ۳: «فاعلاتن فاعلاتن فاعولن»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

## ۲۶۰- گزینه ۲

(کتاب آبی)

بیت گزینه ۲ «جنبه عرفانی دارد و شاعر، عشق مجازی (زمینی) را مانع رسیدن به عشق الهی دانسته است. درحالی‌که در ادبیات معاصر، معشوق مانند دوره‌های آغازین شعر فارسی زمینی است.

## تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: زمینی بودن معشوق در ادبیات معاصر

گزینه ۳: مخاطب شاعر بیشتر مردم معمولی و عادی جامعه هستند.

گزینه ۴: زمینی بودن معشوق / صمیمانه و متواضعانه بودن لحن شاعر

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحه ۹۷)

## جامعه‌شناسی (۲)

## ۲۶۱- گزینه ۲

(ریحانه امینی)

## تشریح مورد نادرست:

همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه بود؛ به گونه‌ای که همه گروه‌ها همسان شوند. به عبارت دیگر، همانندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۱۸ تا ۹۰)

## ۲۶۲- گزینه ۴

(ریحانه امینی)

رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری به دلیل پیروی از الگوی تعارف و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

امروزه، جهانی شدن و توسعه ارتباطات، از سویی زمینه شکل‌گیری جهانی بدون مرز را فراهم کرده است که در آن، درهم آمیختن فرهنگ‌ها موجب می‌شود که فرهنگ‌ها دیگر کاملاً خالص و ثابت نباشند و هویت‌ها به شدت دستخوش تغییر شوند.

مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دوره مدرن «همانندسازی» بود.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷ و ۹۰ تا ۹۲)

## ۲۶۳- گزینه ۳

(ریحانه امینی)

رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی‌بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه ۹۳)

## ۲۶۴- گزینه ۳

(ارغوان عبدالملکی)

عبارت اول ← علم مراتب و انواعی دارد و یادگیری همه علوم، ارزش یکسانی ندارد. آموختن برخی علوم مانند سحر، در اسلام منع شده و در مقابل، یادگیری برخی علوم، لازم و ضروری دانسته شده است.

عبارت دوم ← علم به نفس و علم به مبدأ و معاد، از نافع‌ترین علوم شمرده می‌شوند.

عبارت سوم ← علوم ابزاری که نیازهای روزمره جامعه اسلامی را برطرف می‌کنند، مانند علم پزشکی، علوم فنی و مهندسی و علوم پایه که به نوعی مادر این علوم به شمار می‌آیند، از جمله علوم نافع‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۹۸ و ۹۹)

## ۲۶۵- گزینه ۱

(کتاب آبی)

عبارت اول: مدینه ضالّه جامعه‌ای است که در اثر انحراف نظری از مدینه فاضله شکل می‌گیرد. در مدینه ضالّه، نظرات علمی پذیرفته شده در مدینه فاضله هم تحریف می‌گردند و آرمان‌ها، ارزش‌ها و امور غیرعقلانی، آرمان‌ها و ارزش‌های عقلانی معرفی می‌شوند.

عبارت دوم: در مدینه فاسقه، با آنکه مردم علوم وحیانی و عقلانی را می‌شناسند، اما از آن‌ها بهره نمی‌گیرند، یعنی با آنکه مردم حقیقت و عدالت را می‌شناسند یا امکان شناخت آن را دارند، براساس آن عمل نمی‌کنند.

عبارت سوم: در مدینه فاضله، علم به علم تجربی محدود نمی‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۰۲)

## عربی زبان قرآن (۳)

## ۲۶۶- گزینه ۳

(سیره مہیا مؤمنی)

«مُقیم الصلاة»: برپاکننده نماز (رد گزینه ۲) / «دعاء»: (در اصل «دعائی» بوده است که ضمیر «یاء» متکلم از انتهای آن حذف شده است) دعایم (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

دقت کنید: «رَبِّ = رَبِّي»: ای پروردگام، پروردگارا

(ترجمه)

## ۲۶۷- گزینه «۴»

(علی مفسر زاده)

«تَلَوْتُ الْهَوَاءَ»: هوا آلوده گشت، هوا آلوده شد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) «مَطْرَأُ حُمْصِيًّا»: باران اسیدی (رد گزینه ۱) / «قَدْ يُوَدِّي»: گاهی باعث می‌شود، گاهی منجر می‌شود (رد گزینه ۲) / «مَشَاكِلٌ كَثِيرَةٌ»: مشکلات بسیاری، مشکلات زیادی (رد گزینه ۲) / «لَنَا»: برای ما، برایمان (رد گزینه ۳) / «يَهْدِدُ تَهْدِيدًا»: (مفعول مطلق تأکیدی) بی‌گمان تهدید می‌کند، بدون شک تهدید می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

## ۲۶۸- گزینه «۱»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: حرکت کرد ← حرکت کن («سائق» که در اول جمله واقع شده و منصوب است، منادا بوده و فعل بعده امر مخاطب است، نه ماضی).  
گزینه «۳»: قطعاً ← قطعاً در معرض قرار خواهند گرفت (مفعول مطلق تأکیدی، تأکید بر وقوع فعل است، پس در ترجمه، باید قبل فعل و برای تأکید فعل بیاید، نه تأکید کل جمله)  
گزینه «۴»: پروردگارا قرار بده ← پروردگارم قرار داد («رب» مبتدا و فعل بعده، ماضی است، نه امر)

(ترجمه)

## ۲۶۹- گزینه «۱»

(مرتضی کاظم شیروردی)

«پسر دلبندم»: بنی (رد گزینه ۲؛ زیرا ضمیر «ی» در آن نیامده است) / «چرا؟ لِمَ، لِمَاذَا» / «زباله‌های خانگی»: النفايات المنزلیة (رد گزینه ۳) / «در خیابان»: فی الشارع / «پر تاب می‌کنی»: ترمی (رد گزینه ۲؛ زیرا «تجعل» به معنای «قرار می‌دهی» است) / «آن»: تلک، هی / «تهدیدکننده»: مُهَدِّدَة؛ اسم فاعل است (رد گزینه‌های ۲ و ۴).

(ترجمه)

## ۲۷۰- گزینه «۲»

(درویشعلی ابراهیمی)

مفهوم عبارت صورت سؤال این است که «اگر کسی توسط پدر و مادر و در کودکی ادب نشود، زمان او را ادب می‌کند (ادب او بسی دشوار می‌شود) و این مفهوم در گزینه «۲» نیز آمده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مربوط به این است که آزموده شده را نباید دوباره آزمود؛ گزینه «۳» مربوط به اهمیت ادب است؛ گزینه «۴»، هم مربوط به خطر کردن برای رسیدن به آرزوهاست.

(مفهوم)

## ۲۷۱- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، فعل «یؤدب» معلوم است و «مجهول» نادرست است، همچنین ضمیر «ه» در این فعل نقش مفعول را دارد و فاعل نیست.  
در گزینه «۲»، واژه «الوالدان» اسم فاعل از ثلاثی مزید نیست، بلکه اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.  
در گزینه «۴»، واژه «الزمن» معرب است و مبنی نیست.

(تفلیل صرفی و اعراب)

## ۲۷۲- گزینه «۲»

(علی مفسر زاده)

واژه‌های «الصناعات» و «مُهَدِّدَات» به شکل نادرست حرکت گذاری شده‌اند و شکل درست آن‌ها «الصناعات» و «مُهَدِّدَات» می‌باشد.  
«مُهَدِّدَات» به معنای «تهدیدکنندگان» یک اسم فاعل است و بدین سبب، بر روی عین الفعل خود، علامت کسره گرفته است.

(ضبط حرکات)

## ۲۷۳- گزینه «۴»

(مهمد علی کاظمی نصرآباری)

در این گزینه «اجتهاد» مصدر از جنس فعل ماقبل خودش و در نتیجه مفعول مطلق و در جایگاه مضاف است. «الأمین» مضاف الیه آن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ابتعاداً» مفعول مطلق تأکیدی است که بعد از آن مضاف الیهی نیامده است. (دقت کنید «خائفاً» در این جا حال است).

گزینه «۲»: «انتصاراً» مفعول مطلق تأکیدی است و بعد از آن مضاف الیهی نیامده است.

گزینه «۳»: «إخباراً» مفعول مطلق نوعی است که بعد از آن صفت آمده است.

(مفعول مطلق)

## ۲۷۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن قسمتی از عبارت که تأکید بر آن است به درستی داخل پرانتز مشخص شده است.

با توجه به آن چه در کتاب درسی آمده است، «إن» جمله پس از خود را تأکید می‌کند، بنابراین گزینه «۴» صحیح است. اما مفعول مطلق تأکیدی فقط فعل هم جنس خود را تأکید می‌نماید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «إن» جمله پس از خود را تأکید می‌کند، نه فقط «الله» را.

گزینه «۲»: «حمایة» مفعول مطلق تأکیدی است و فعل «إخمنی» را تأکید کرده است.

گزینه «۳»: «تحذیراً» مفعول مطلق تأکیدی است و فعل «حذرتنی» را تأکید کرده است.

(مفعول مطلق)

## ۲۷۵- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

«مشاهدة» مفعول مطلق و مضاف است و معنای تشبیه دارد (مانند مشاهده پژوهشگر محیط زیست).

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، مفعول مطلق آمده ولی موصوف است، در گزینه‌های «۲» و «۴» مفعول مطلقها بدون صفت و بدون اضافه هستند و لذا هیچ کدام معنای تشبیه ندارند.

(مفعول مطلق)

## فلسفه دوازدهم

## ۲۷۶- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

ابن سینا طبیعت را مرتبه‌ای از هستی می‌داند که دارای حرکت است و رو به مقصد خاصی حرکت می‌کند و این مقصد جزء ذات طبیعت می‌باشد و از آن جدایی پذیر نیست. بنابراین نمی‌توان گفت که این مقصد توسط عامل بیرونی برای طبیعت تعیین شده است. او همچنین معتقد است که آنچه طبیعت را به حرکت در می‌آورد طبع و ذات خود آن است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

## ۲۷۷- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

از نظر سهروردی چهارمین دسته از جویندگان علم، کسانی هستند که هم در برهان به کمال رسیده‌اند و هم صاحب اشراقات و مشاهدات عرفانی هستند. سهروردی این گروه را حکیمان متأله می‌نامد و معتقد است که این گروه حقیقتاً شایسته ریاست تامه و خلافت خدا روی زمین هستند و اگر حکومت در اختیار این گروه قرار گیرد جامعه بسی نورانی و درخشان خواهد شد.

**نکته:** حکومت حکیم متأله هیچ‌گاه از روی قهر و غلبه نیست.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۱۸۵)

## ۲۷۸- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: حکمت متعالیه حاصل تکامل دو مکتب پیشین، یعنی حکمت مشاء و حکمت اشراق بود. بنابراین ملاصدرا آن دو را به طور کلی کنار نگذاشت.

گزینه «۲»: با این که ملاصدرا با قرآن انس دائمی داشت اما از آیات آن صرفاً به شکل تأیید یا شاهد استفاده می‌کرد و آن را وارد استدلال‌های فلسفی خویش نمی‌گرداند.

گزینه «۳»: این گزینه درست است. ملاصدرا از وحی و شهود فقط به عنوان نشانه یا تأیید استفاده می‌کند.

گزینه «۴»: حکمت متعالیه یک مکتب فلسفی است و با کلام یا عرفان تمایزات مشخصی دارد. معیار فلسفی بودن آن است که موضوع آن در مورد موضوع فلسفه (وجود بما هو وجود) باشد و روش آن نیز عقلی محض باشد. حکمت متعالیه هر دوی این دو شرط را داراست و می‌توان آن را یک مکتب فلسفی دانست.

دقت کنید که استفاده از وحی و شهود ماهیت فلسفی حکمت متعالیه را نفی نمی‌کند چراکه پایه و بنیان این حکمت عقل و استدلال بوده و وحی و شهود نقش مؤید دارند.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۱)

## ۲۷۹- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

ما از هر شیء دو جنبه در ذهن داریم؛ یکی وجود و دیگری ماهیت و یا به عبارت دیگر، هستی و چیستی. البته از هر موجود مفاهیم متعدد به ذهن می‌آید اما عمده‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها وجود و ماهیت هستند. دانستیم که این دو مفهوم با یکدیگر مغایرند. بنابراین آن شیء خارجی که منشأ ایجاد این دو مفهوم متغایر در ذهن شده است، باید حتماً مصداق یکی از آن دو باشد و در اینجا سؤال مطرح می‌شود که آن شیء حقیقی که منشأ این مفاهیم شده کدام است. عده‌ای مانند میرداماد بر این عقیده هستند که آنچه حقیقی است یا اصالت دارد ماهیت است. ملاصدرا و فیلسوفان پیروی او اما در مقابل معتقدند که آنچه اصیل است وجود می‌باشد نه ماهیت.

**نکته:** اصیل بودن وجود به این معنی نیست که ماهیت کاملاً ذهنی است و منشأ خارجی ندارد. ملاصدرا با این که وجود را اصیل می‌داند اما بر این باور است که ماهیت نیز منشأ حقیقی دارد و شدت و ضعف وجود باعث انتزاع این مفهوم در ذهن می‌شود. بنابراین ماهیت به طور کلی وهم یا ساخته ذهن نیست.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

## ۲۸۰- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

از منظر وحدت وجودی، موج همان دریاست که به آن شکل درآمده است و چیزی جدای از دریا که واقعی و اصیل است ندارد. موجودات مختلف نیز همان گونه هستند.

**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: دریا از موج‌ها ساخته نشده است، همان طور که آن وجود کلی از مجموع وجودهای اشیاء گوناگون و متکثر پدید نیامده است.

گزینه «۲»: موج هیچ استقلالی نسبت به دریا ندارد و طبق نظریه وحدت وجود، همه موجودات مختلف نیز همین گونه‌اند و مستقل نیستند.

گزینه «۴»: اشیاء مختلف حقیقتاً موجودند و نمی‌شود به آن‌ها لفظ «معدوم» را اطلاق کرد. بلکه باید گفت که همه موجودات تنها حاصل شدت

و ضعف وجودی واحد هستند و وجود دومی قابل فرض نیست.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۴)